

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

متن مسابقه کتابخوانی مهدویت ۱۴۰۱

قابل توجه داوطلبان شرکت در مسابقه کتابخوانی مهدویت ۱۴۰۱

این متن جهت پاسخ به سؤال های ۱۱ تا ۲۰ مسابقه می باشد.

و سؤال های ۱ تا ۱۰ از منابع آزاد و اطلاعات عمومی پاسخ داده می شود.

درسنامه دوره مقدماتی آموزش معارف مهدویت

نگین آفرینش



نگین آفرینش (درسنامه دوره مقدماتی آموزش معارف مهدویت)

- مؤلفان: محمدامین بالادستیان، محمدمهدی حائری پور، مهدی یوسفیان
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله تعالی فرجه
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۲۵-۵
- نوبت چاپ: پنجاه و یکم / بهار ۱۳۹۲
- شمارگان: سه هزار نسخه

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله تعالی فرجه مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / (فروش) ۳۷۸۴۱۱۳۰ / (مدیریت) ۳۷۸۴۱۱۳۱ / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله تعالی فرجه / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

○ www.mahdi313.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (صفحه آرا و طراح جلد) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله تعالی فرجه

حسین احمدی

کد فایل: ۳-۰۹۲۶۵

امام مهدی عجل الله فرجه در آینه روایات

اهداف

۱. معرفی امام مهدی عجل الله فرجه از منظر روایات
۲. تبیین عرصه های مشترک مهدویت بین شیعه و اهل سنت

فواید

۱. آگاهی از ویژگی های روایی مهدویت
۲. شناخت اصالت مهدویت از منظر روایات
۳. وحدت بخشی مهدویت

از منابع اصیل و غنی اسلامی برای فهم معارف دین، روایات و سنت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است. این گنجینه گران سنگ در کنار قرآن کریم، پاسخ گوی بخش زیادی از پرسش‌ها و راهنمای مسلمین در حوزه معرفت دینی است. وقتی قرآن کریم درباره اصول دین مانند توحید و معاد سخن می‌گوید، یا درباره فروع دین مانند نماز و حج و زکات بحث می‌کند، بیان بسیاری از احکام و معارف و حد و مرزهای این موضوعات را به سنت معصومان علیهم السلام وا می‌گذارد. فقه غنی اسلامی - به ویژه اجتهاد شیعی - در بخش عمده‌ای، بر روایات معصومان علیهم السلام پایه گذاری شده است.^۱

مهدویت از اصیل‌ترین موضوعات اسلامی است که از آغاز اسلام، مطرح و پیوسته مورد توجه و عنایت مسلمین بوده است. پیشوایان معصوم اسلام علیهم السلام کوشیده اند ابعاد گوناگون این جریان را بیان کنند. این تلاش فرهنگی، مجموعه عظیمی از معارف مهدوی را فراهم آورده است که تهیه و تدوین آن، محصول مجاهدت ارزشمند و پیوسته عالمان راستین است.

سیری کوتاه در احادیث مهدویت

در بین موضوعات اسلامی، کمتر موضوعی است که به اندازه مهدویت، روایت داشته باشد. بعضی از محققان حدود دو هزار روایت از کتاب‌های روایی مسلمین را در این موضوع گردآورده‌اند.^۲

روایات مهدویت در کتاب‌های فراوانی از شیعه و اهل سنت نقل شده‌اند که در این مجموعه، منابع قدیمی و اصیلی وجود دارد که سابقه آن به عصر امامان معصوم علیهم السلام می‌رسد. این بدان معنا است که روایات مهدوی حتی پیش از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان اصحاب امامان علیهم السلام معروف بوده و در اصول حدیثی شیعه تدوین شده است.^۳

۱. مجموعه مفصل وسائل الشیعه تألیف مرحوم شیخ حر عاملی گواهی بر این ادعاست.
 ۲. رک: معجم احادیث الإمام المهدی. در این کتاب، روایات پیامبر و معصومان علیهم السلام در هشت جلد، گردآوری شده است.
 ۳. این کتاب، فی الفقه الحنبلیه، اثر عباس بن هشام ابوالفضل الناشری (م. ۲۲۰ق).

منابع حدیثی مهدویت در یک نگاه

منابع حدیثی، کتاب‌های اصلی و مادر هستند که مرجع و مستند کتاب‌های دیگر قرار گرفته‌اند و به همین سبب از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. این مجموعه در همه مذاهب اسلامی نزد محققان و عالمان شناخته شده و مورد توجه هستند. مهم‌ترین منابع حدیثی شیعه در موضوع مهدویت به شرح زیر است:

الف. «کافی» اثر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹): این کتاب از قدیمی‌ترین و معتبرترین آثار روایی شیعه است که حاوی موضوع‌های مختلف اسلامی است و بخش‌هایی از آن درباره امامت و مهدویت است.

ب. «الغیبه» اثر محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، معروف به نعمانی: نعمانی از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است و همه کتابش را به روایات مهدویت اختصاص داده و ۴۷۸ حدیث نقل کرده است.

ج. «کمال الدین و تمام النعمه» اثر شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۱۸ق): وی از عالمان بزرگ شیعه است که کتابش را به دستور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته^۱. تمام بخش‌های کتاب، درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از مهم‌ترین منابع روایی ما به شمار می‌رود.

د. «الارشاد» اثر شیخ مفید (م ۴۱۳ق): او از استوانه‌های بزرگ شیعه و استاد بزرگانی مانند شیخ طوسی و سید مرتضی و سید رضی است. این کتاب، در بردارنده تاریخ و فضائل امامان معصوم علیهم السلام و از جمله امام دوازدهم حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ه. «کتاب الغیبه» اثر شیخ طوسی (م ۴۶۰ق): این کتاب از مهم‌ترین و کامل‌ترین منابع شیعه در بحث مهدویت است؛ زیرا دلائل عقلی و نقلی وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت و ظهور و نیز علائم ظهور، فضائل و سیره آن امام را آورده است. مؤلف کتاب، از بزرگان عالمان شیعه است که آثار ارزشمند دیگری به ویژه در بخش فقه و تفسیر از خود به جا گذاشته است.

گفتنی است که محدث بزرگ شیعه، مرحوم علامه مجلسی رحمته الله مجموعه روایات کتب یاد شده را در سه جلد (۵۱-۵۳) از مجموعه گران سنگ بحارالانوار گردآوری کرده است.

اهل سنت نیز در مهم‌ترین کتاب‌های خود احادیث مهدویت را نقل کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به مسند احمد بن حنبل پیشوای مذهب حنبلی (م ۲۴۱ق) و سنن ابوداؤد (م ۲۷۵ق) و

۱. توضیح این جریان در مقدمه مؤلف در همین کتاب آمده است.

سنن ترمذی (م ۲۷۹ق) از مجموعه صحاح سته اشاره کرد.

به علاوه، بعضی از عالمان اهل سنت کتاب مستقلی درباره مهدویت نوشته‌اند؛ همچون محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ق) که *البیان فی اخبار صاحب الزمان* را نگاشته است.^۱ گفتنی است که جمعی از محققان معاصر، روایات شیعه و سنی را در مجموعه‌ای با عنوان *معجم احادیث الامام المهدي* تدوین کرده‌اند.

از بهترین کتاب‌های حدیثی زمان ما کتاب *الایثر تألیف آیت الله صافی گلپایگانی* است که ۹۲۲ روایت از ۱۵۷ کتاب روایی شیعه و اهل سنت را در موضوعات مختلف با نظم و ترتیب، گرد آورده است. این اثر ارزشمند می‌تواند نیازهای اولیه محققان عرصه مهدویت را پاسخ دهد؛ ولی این نکته را باید مد نظر داشت که بهره‌مندی از روایات مهدوی، پایه‌ای از دانش و تسلط بر علوم عربی و حوزوی را می‌طلبد و باید بدانیم که در همان حال که از این سرچشمه زلال استفاده می‌کنیم، نباید خود را از معلم و استاد این فن بی‌نیاز بدانیم.

ویژگی‌های روایات مهدوی

روایات مربوط به مهدویت، ویژگی‌هایی دارند که آشنایی با آن‌ها می‌تواند مطالعه و تحقیق در این مجموعه را دقیق‌تر و آسان‌تر کند و راه معرفت به آن حضرت را هموارتر سازد. برخی از ویژگی‌های روایات مهدویت را به اختصار بیان می‌کنیم.

الف. تنوع و گوناگونی موضوع

زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با پدران بزرگوارش علیهم السلام متفاوت است. شرایط ویژه‌ای در حیات آن حضرت وجود داشته و دارد که در سایر امامان نبوده است؛ مانند ولادت پنهانی، غیبت طولانی، وضعیت مردم در دوران غیبت، طول عمر حضرت، حکومت جهانی، عدالت، امنیت و... این زوایای مختلف که همگی نیازمند توضیح و تفسیر هستند موجب شده که روایات معصومان درباره مهدویت، بسیار متنوع و گوناگون باشند. در واقع معصومان علیهم السلام کوشیده‌اند نیاز مردم به معرفت امام زمان را در حوزه‌های گوناگون تامین کنند.

کتاب *منتخب الاثر* موضوعات مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه را مطرح، و برای هر یک، روایاتی را نقل کرده است.

۱. برای آشنایی بیشتر با آثار اهل سنت در موضوع مهدویت، ر. ک: *الامام المهدي عند اهل السنة* تألیف مهدی فقیه ایمانی.

ب. مهدویت در کلام همه معصومان علیهم السلام

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مهدویت، این است که همه معصومان از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در باره این موضوع سخن گفته‌اند (کتاب معجم احادیث الامام المهدی روایات هریک از معصومان را به طور جداگانه آورده است که در این میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ۵۶ روایت، بیشترین روایت را دارد.)^(۱)

این گستردگی روایات از یک سو نشانه اهتمام پیشوایان ما به موضوع مهدویت و زنده نگهداشتن آن، و از سوی دیگر، نشانه علاقه مسلمین برای پرسش و پاسخ در این موضوع و لزوم معرفت عمیق و جزء به جزء به این حقیقت است.

ج. راویان احادیث مهدوی

در منابع شیعه و اهل سنت، مجموعه‌ای گسترده از روایات مهدوی موجود است. این روایات به وسیله حدود شصت نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که در کمتر موضوعی چنین بوده است. نکته مهم این که در مجموعه راویان، شخصیت‌های بزرگ و بی‌نظیر از اهل بیت پیامبر علیهم السلام و چهره‌های مشهور اصحاب پیامبر وجود دارد. برخی از راویان عبارتند از:

حضرت امام علی علیه السلام (شهادت ۴۰ ق)، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (شهادت ۱۱ ق)، حضرت امام حسن علیه السلام (شهادت ۵۰ ق)، حضرت امام حسین علیه السلام (شهادت ۶۱ ق)، ابوذر غفاری (م ۳۲ ق)، سلمان فارسی (م ۳۲ ق)، عمار یاسر (شهادت ۳۷ ق)، جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۸ ق) و حتی کسانی مانند عمر بن خطاب (م ۲۳ ق)، عثمان بن عفان (م ۳۵ ق) و عایشه (م ۵۲ ق) که در موضوع خلافت و امامت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم موضعی متفاوت با اهل بیت علیهم السلام پیامبر داشتند.

اعتبار روایات مهدویت

از ویژگی‌های ارزشمند یک موضوع روایی، صحیح بودن روایاتی است که در آن موضوع نقل شده است. این ویژگی، سبب قبولی آن روایات و در نتیجه اصالت و اعتبار آن موضوع می‌شود. در مهدویت با توجه به فراوانی روایات و منابع کهن و اصیل، روایات صحیح فراوانی موجود است. نکته مهم این که بسیاری از بزرگان اهل سنت به صحیح بودن روایات مهدویت اعتراف کرده‌اند و به همین دلیل، اعتقاد به قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از مسلمات دین و از جمله واجبات دانسته‌اند.

بعضی از علمای اهل سنت در مقام دفاع از عقیده مهدویت و رد منکران این عقیده، کتاب و مقاله

۱. این مجموعه در هشت جلد توسط گروهی از محققان (علی کورانی، نجم الدین طبری و...) تدوین شده است.

نوشته اند و با بیانات علمی و شواهد روایی جریان امام مهدی را از امور قطعی و غیر قابل انکار دانسته اند؛ همچون محمد صدیق مغربی که در ردّ گفتار ابن خلدون که تلاش کرده است روایات مهدویت را ضعیف و غیر معتبر جلوه دهد، کتابی نگاشته و به سختی از او انتقاد کرده است.^۱

ویژگی دیگر در روایات مهدویت، تواتر آن است. به این معنا که گاهی تعداد راویان یک حدیث به اندازه‌ای زیاد است که امکان دروغ بودن سخن آن‌ها به صفر می‌رسد و در این صورت، مطمئن می‌شویم که آن حدیث از معصوم علیه السلام است. این امر، پدیده نادری است که از علمای اهل سنت بزرگانی مانند قرطبی مالکی، ابن حجر عسقلانی و سیوطی نیز به آن اعتراف کرده‌اند.^۲

عرصه‌های مشترک حدیثی مسلمین

با مطالعه و تحقیق در منابع روایی شیعه و اهل سنت، موارد متعددی یافت می‌شود که همه مسلمین در باره آن‌ها اتفاق نظر دارند. در این مجال، امکان طرح و بررسی همه آن‌ها نیست؛ ولی بجاست نمونه‌هایی را یاد آور شویم.^۳ در هر نمونه روایتی از کتب اهل سنت و پس از آن، روایتی از کتب شیعه می‌آوریم.

۱. جهانی بودن حکومت مهدی و عدالت فراگیر او

این که حکومت مهدی موعود و عدالت او همه جا را فرا خواهد گرفت، مورد قبول همه مسلمین بوده است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

تُمَلَأُ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي يَمْلِكُ الْأَرْضَ ... فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا؛

زمین از ستم و ظلم پر می‌شود. مردی از عترت من قیام می‌کند و بر زمین حاکم می‌شود... پس زمین را از عدل و داد، پر می‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

يَمْلِكُ الْقَائِمُ ... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا ... فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا؛^۱

۱. نام کتاب او *ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون* (آشکار کردن توهم پوشیده در کلام ابن خلدون) است.

۲. شیخ ناصرالدین البانی از بزرگان اهل سنت می‌گوید: «همانا عقیده به خروج مهدی عقیده ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم است که ایمان به آن، واجب است» (مجله *التمدن الاسلامی*، ش ۲۲، ص ۵۴۳). نیز *ر.ک: انتظار*، شماره ۴؛ کتاب *امام مهدی در احادیث شیعه و سنی*، ص ۳۴-۳۶.

۳. برای آگاهی از موارد بیشتر، ر. ک: *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، تألیف دکتر مهدی اکبر نژاد.

۴. *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۴، ص ۵۵۸.

قائم بر زمین حاکم می شود... زمین را از عدل و داد پر می کند و خداوند شرق و غرب عالم را برای او فتح می کند.

دقت در مضمون این گونه روایات می رساند که هم حکومت و هم عدالت مهدی، همه زمین را می گیرد؛ زیرا تعبیر الارض بدون قید، نشانه گستردگی معنای آن است.

۲. نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام از آسمان

روایات اسلامی از شیعه و سنی بر این امر اتفاق دارند که در هنگام ظهور، حضرت عیسی بن مریم عَلَيْهَا السَّلَام از آسمان فرود می آید و در نماز به امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى اقتدا می کند. این حادثه، نقطه عطفی در جریان ظهور امام عصر است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؛^۲

چگونه است حال شما وقتی که فرزند مریم از آسمان فرود آید؛ در حالی که امام شما فردی از میان شما [= مسلمین] باشد؟

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ؛^۳

روح الله عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و پشت سراو [امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى] نماز می خواند.

۳. فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء

برای ظهور امام مهدی در روایات، نشانه های فراوانی بیان شده و در مواردی از آن ها بین شیعه و اهل سنت، اشتراک نظر وجود دارد؛ مانند خروج سفیانی و فرورفتن لشکرش در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

لشکری آهنگ کعبه می کند. وقتی به سرزمین بیداء در آمدند زمین، همه آن ها را فرو می برد.^۴

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۲۱۲، ص ۳۹۰.
۲. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.
۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۴، ح ۲۷، ص ۵۲۴.
۴. صحیح بخاری، ج ۲، ح ۲۰۱۲، ص ۷۴۶.

امیر لشکر سفیانی [همراه لشکرش] به بیداء فرود می‌آید. پس منادی از آسمان ندا می‌دهد: «ای زمین بیداء! نابود کن این قوم را». در این هنگام، زمین آن‌ها را در خود فرو می‌برد.^۱

۴. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از نسل فاطمه علیها السلام

درباره نسب امام مهدی نیز اشتراک نظر وجود دارد. در روایات فراوان آمده است که آن حضرت از فرزندان فاطمه علیها السلام است و روشن است که این حقیقت، ادعای بسیاری از مدعیان دروغین مهدویت را باطل می‌کند.

در منابع اهل تسنن آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

المَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛^۲ مهدی از عترت من، از فرزندان فاطمه است.

این روایت با همین عبارت در کتب شیعه نیز آمده است.^۳

۵. هم نام بودن مهدی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در روایات شیعه و سنی، امام موعود با لقب مهدی و هم نام با پیامبر معرفی شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي؛^۴

دنیا به پایان نمی‌رسد، تا این که مردی از اهل بیتم بر عرب حاکم شود که هم نام من است.

نیز آن حضرت فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي؛^۵

قائم از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه او کنیه من است. شمایل او همان شمایل من

و سنت او همان سنت من است.

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۲۸۰.

۲. سنن ابی داود، ج ۴، ح ۴۲۴۸، ص ۱۹۷.

۳. غیبت طوسی، ص ۱۶۸.

۴. سنن ابی داود، ج ۴، ح ۴۲۸۴، ص ۱۷۳.

۵. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۹، ح ۶، ص ۱۲۲.

انتظار

اهداف:

۱. شناخت معنای صحیح انتظار
۲. توجه به بایسته‌های انتظار

فوائد:

۱. آشنائی با مفهوم انتظار در اندیشه شیعی
۲. شناخت معیارهای انتظار
۳. تلاش برای اصلاح و خودسازی جهت زمینه سازی ظهور

مطالب آموزشی:

۱. حقیقت انتظار
۲. ویژگی‌های انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳. وظایف منتظران ظهور

انتظار سبز

وقتی ابرهای تیره، چهره خورشید را پوشانده و دشت و دَمَن از دست بوسی آفتاب محروم گردیده و سبزه و گل از دوری مهر عالم تاب پژمرده است چاره چیست؟ زمانی که عصاره آفرینش و خلاصه خوبی‌ها و آیینه زیبایی‌ها رخ در نقاب غیبت کشیده و جهانیان از فیض حضور او بی نصیب مانده‌اند چه می‌توان کرد؟

گل‌های باغ چشم به راهند تا سایه باغبان مهربان را بر سر خود ببینند و از دستان پر مهر او آب حیات بنوشند و دل‌های مشتاق، بی تاب چشم‌های اویند تا عنایت شور آفرین او را لمس کنند و اینجاست که «انتظار» شکل می‌گیرد. آری، همه منتظرند تا او بیاید و سبزی و نشاط را به ارمغان آورد. به راستی «انتظار» چه زیبا و شیرین است اگر زیبایی آن در نظر آید و شیرینی آن در کام دل، چشیده شود.

حقیقت انتظار و جایگاه آن

برای «انتظار» معانی گوناگونی گفته‌اند و لی با دقت و تأمل در این کلمه می‌توان به حقیقت معنی آن پی برد. انتظار، چشم به راه بودن است و این چشم

به راهی به تناسب بستر و زمینه آن ارزش پیدا می‌کند و آثار و پیامدهایی دارد. انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نیست بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت و اقدام را می‌آفریند. به همین دلیل است که در روایات، انتظار به عنوان یک عمل و بلکه بهترین اعمال، معرفی شده است. انتظار به «منتظر» شکل می‌دهد و به کارها و تلاش‌های او جهت خاصی می‌بخشد.

بنابراین «انتظار» با نشستن و دست روی دست گذاشتن، نمی‌سازد. انتظار با چشم به در دوختن و حسرت خوردن، تمام نمی‌شود؛ بلکه در حقیقت انتظار، حرکت و نشاط و شور آفرینی نهفته است.

آنکه در انتظار مهمان عزیزی است، سر از پا نمی‌شناسد و در تلاش است تا خود و محیط اطراف خود را برای آمدن مهمان، آماده کند و موانع حضور او را بر طرف سازد.

سخن درباره انتظار رویدادی بی نظیر است که در زیبایی و کمال، نهایت ندارد. انتظار روزگاری است که در سبزی و خرمی در تمامی روزگاران گذشته مثالی نداشته است و جهان چنان دوران زیبایی را هرگز تجربه نکرده است. این همان انتظار حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه است که در روایات، از آن به «انتظار فرج» یاد شده است و آن را از بهترین اعمال و عبادات، بلکه پشتوانه قبولی همه اعمال، شمرده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«بهترین اعمال امت من، انتظار فرج است.»^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به یاران خود فرمود:

«آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتند: بفرمایید. فرمود: گواهی به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام ﷺ و اقرار به آنچه خدا امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما - یعنی ما امامان بخصوص - و تسلیم شدن در برابر ایشان (=امامان) و پرهیزکاری و کوشش و خویشتن داری و انتظار قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱

بنابراین «انتظار فرج» انتظاری است که ویژگیهای خاص و منحصر به فرد دارد که لازم است به خوبی دانسته شود تا رمز و راز آن همه فضیلت و آثار که برای آن خواهیم شمرد آشکار گردد.

ویژگی‌های انتظار مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ

گفتیم که «انتظار» امری فطری است و برای همگان در هر قوم و آیینی که باشند وجود دارد اما انتظارات معمولی که در جریان زندگی افراد و حتی جامعه‌ها وجود دارد هر اندازه بزرگ و با اهمیت باشد در مقایسه با انتظار موعود جهانی، کوچک و بی مقدار است زیرا که انتظار ظهور او ویژگی‌های خاص خود را دارد:

انتظار مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ انتظاری است که از ابتدای عالم آغاز شده است یعنی از زمان‌های بسیار دور، انبیاء و اولیاء نوید ظهور او را داده‌اند و در زمان‌های نزدیک تر، همه امامان ما، آرزوی روزگار دولت او را داشته‌اند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر به او خدمت می‌کردم.»^۱

انتظار مهدی عجل‌الله‌تعالی و رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ انتظار مصلح جهانی است. انتظار حکومت عدل جهانی است و انتظار تحقق همه خوبی‌ها است. در این انتظار، بشریت چشم به راه است تا آنچه را بر اساس فطرت پاک خدایی، در آرزوی آن بوده و هیچگاه به صورت کامل به آن دست نیافته است، ببیند و مهدی عجل‌الله‌تعالی و رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ همان است که عدالت و معنویت، برادری و برابری، عمران و آبادی زمین و امنیت و صلح و عصر شکوفایی عقل و دانش بشری را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد و برچیدن بساط استعمار و بردگی انسان‌ها و نفی هر گونه ستم و ستمگری و رهایی اجتماع از انواع فسادهای اخلاقی، ره آورد حاکمیت اوست.

انتظار مهدی عجل‌الله‌تعالی و رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ انتظاری است که تنها با فراهم شدن زمینه‌های شکوفایی آن، خواهد شکفت و آن زمانی است که همه انسان‌ها در طلب منجی و مصلح آخر الزمان باشند. او می‌آید تا با همکاری و همیاری یارانش علیه بدی‌ها قیام کند نه اینکه تنها با معجزه کار جهان را سامان دهد.

انتظار مهدی عجل‌الله‌تعالی و رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ در منتظرانش شوق یاری و همراهی او را ایجاد می‌کند و به انسان هویت و حیات می‌بخشد و او را از پوچی و بی‌هدفی نجات می‌دهد. آنچه گفته شد بخشی از ویژگی‌های آن انتظاری است که به وسعت همه تاریخ است و ریشه در جان همه انسان‌ها دارد و هیچ انتظار دیگری به خاک پای این انتظار سترگ نمی‌ارزد. بنابراین جا دارد که ابعاد و آثار فراوانِ انتظار مهدی عجل‌الله‌تعالی و رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ را بشناسیم و درباره وظایف منتظران ظهور او و پاداش بی‌نظیر آنها سخن بگوییم.

۱. الغیبة نعمانی، باب ۱۳، ح ۴۶، ص ۲۵۲.

در میدان عمل بکوشد تا زمینه‌های ظهور دولت حق فراهم گردد. بنابراین، منتظر در این بخش هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می‌گمارد. در بُعد فردی هم به حیات روحی و روانی خود و کسب فضیلت‌های اخلاقی روی می‌آورد و هم به تقویت جنبه جسمی و بدنی می‌پردازد تا نیرویی کار آمد برای جبهه نور باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«... کسی که دوست دارد از یاران قائم علیهم السلام باشد پس منتظر باشد و در حال انتظار پرهیزگاری پیشه کند و به اخلاق نیکو آراسته گردد...»^۱

ویژگی «انتظار» آن است که آدمی را از محدوده خود فراتر می‌برد و او را با تک تک افراد جامعه مرتبط می‌سازد. یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر مؤثر است که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه دارد و او را به تأثیر گذاری مثبت در جامعه وا می‌دارد و از آنجا که شرط ظهور دولت حق آمادگی جمعی است، هر کسی به اندازه توان خود برای اصلاح جامعه می‌کوشد و در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی ساکت و بی تفاوت نمی‌ماند، چرا که منتظر مصلح جهانی در اندیشه و عمل، مسیر صلاح و راستی را طی می‌کند.

کوتاه سخن اینکه «انتظار» جریان مبارکی است که در تمام مویرگ‌های حیات فرد و اجتماع منتظر جاری است و در همه عرصه‌های زندگی، رنگ الهی به انسان و حیات او می‌بخشد و چه رنگی از رنگ الهی بهتر و ماندگارتر؟!

قرآن کریم می‌فرماید:

۱. الغیبة نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰.

﴿... صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...﴾^۱؛

رنگ الهی (بگیرید) و چه چیز از رنگ الهی داشتن نیکوتر است؟!

با توجه به آنچه گذشت، وظایف منتظرانِ مصلحِ کل، چیزی جز همان «رنگِ خدایی داشتن» نیست که به برکت انتظار در جای جای زندگی فردی و جمعی آنها جلوه گر می‌شود. و با این نگاه، دیگر آن وظایف بر دوش ما - منتظران - سنگینی نخواهد داشت بلکه به عنوان جریان شیرینی که به همه زوایای زندگی ما معنی و مفهومی زیبا بخشیده است، به حساب می‌آید. به راستی اگر فرمانروای ملک مهربانی و امیر کاروان مهرورزی تو را به عنوان سربازی شایسته برای خیمه ایمان خواسته باشد و حضور تو را در سنگر حق، انتظار کشد، چگونه خواهی بود؟ آیا باید بر تو تکالیفی را تحمیل کنند که چنین و چنان باش و این کار و آن کار را انجام ده یا تو خود راه انتظار را شناخته‌ای و برای همان مقصدی که برگزیده‌ای گام خواهی زد؟!

وظایف منتظران

در روایات و بیانات پیشوایان دین وظایف فراوانی برای منتظران ظهور بیان گردیده است که در اینجا مهمترین آنها را بیان می‌کنیم.

شناخت امام

پیمودن جاده انتظار بدون شناختن امام منتظر ممکن نیست. استقامت و پایداری در وادی انتظار وابسته به درک صحیح از پیشوای موعود است. بنابراین علاوه بر شناخت امام به اسم و نسب، لازم است نسبت به جایگاه امام و رتبه و

۱. سوره بقره، آیه ۱۳۸.

مقام او نیز آگاهی کافی بدست آورد.

ابونصر که از خدمتگذاران امام حسن عسکری علیه السلام است، پیش از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضور آن حضرت می‌رسد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از او می‌پرسد: آیا مرا می‌شناسی؟ پاسخ می‌دهد: آری، شما سرور من و فرزند سرور من هستید! امام علیه السلام می‌فرماید: مقصود من چنین شناختی نبود!؟ ابونصر می‌گوید: (مقصود شما چیست) خودتان بفرمایید.

امام علیه السلام می‌فرماید:

«من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خداوند به (برکت) من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.»^۱

اگر معرفت امام برای منتظر حاصل شود، او از هم اکنون خود را در جبهه امام می‌بیند و احساس می‌کند که در خیمه امام و کنار او قرار گرفته است. بنابراین لحظه‌ای در تلاش برای تقویت جبهه امام خویش کوتاهی نمی‌کند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«...مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»^۲؛

کسی که بمیرد در حالی که امام خود را شناخته باشد، جلو افتادن یا تأخیر امر (ظهور) به او زیان نمی‌رساند و کسی که بمیرد و حال آنکه امام خود را شناخته است مانند کسی است که در خیمه امام و همراه او بوده است.

گفتنی است که این معرفت و شناخت چنان مهم است که در کلام

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، باب ۸۴، ح ۵، ص ۴۳۳.

معصومین علیهم السلام آمده است که برای بدست آوردن آن، لازم است از خداوند طلب یاری شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«... در زمان غیبت طولانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باطل گرایان (در اعتقاد و دین خود) به شک و تردید گرفتار می‌شوند. زراره، از یاران خاص امام گفت: اگر آن زمان را شاهد بودم چه عملی انجام دهم؟»

امام صادق علیه السلام فرمود: ... این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»

آنچه تا کنون مطرح شد معرفت نسبت به جایگاه امام در مجموعه نظام هستی است.^۱ او حجّت پروردگار و جانشین به حق پیامبر و پیشوای همه مردم است که اطاعت او بر همگان واجب است چرا که اطاعت از او همان اطاعت از خداست.

یکی دیگر از ابعاد معرفت امام، شناختن سیره و صفات امام است^۲ و این بُعد از شناخت، تأثیر عملی گسترده‌ای در رفتار و خلق و خوی منتظر می‌گذارد و

۱. الغيبة نعمانی، باب ۱۰، فصل ۳، ح ۶، ص ۱۷۰؛ و نیز حاشیه مفاتیح الجنان، باب ششم، دعای زمان غیبت. ترجمه دعا: «خدایا خودت را من بشناسان، براستی که اگر خود را به من شناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا، پیامبرت را به من بشناسان، براستی که اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجّت (و خلیفه پیامبرت) را نخواهم شناخت. خدایا حجّت خود (امام زمان) را به من بشناسان، براستی که اگر حجّت خود را به من شناسانی از دین خود گمراه خواهم شد!!»

۲. درباره این موضوع در فصل اول کتاب، مباحثی بیان گردید.

۳. درباره سیره و صفات امام مهدی علیه السلام در فصل آینده سخن خواهیم گفت.

بدیهی است که هر اندازه معرفت انسان به زوایای گوناگون زندگی امام و حجت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، آثار آن در بخش‌های گوناگون زندگی او بیشتر خواهد بود.

الگوپذیری

وقتی معرفت به امام و جلوه‌های زیبای رفتاری آن بزرگوار به دست آمد، سخن از پیروی و الگوگرفتن از آن مظهر کمالات به میان می‌آید. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«خوشابه حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرمی‌ترین امت من، در نزد من هستند.»^۱

به راستی آن کس که در تقوا، عبادت، ساده زیستی، سخاوت، صبر و همه فضائل اخلاقی دنباله رو امام و مراد خویش است چه رتبه بلندی نزد آن رهبر الهی خواهد داشت و آنگاه که به حضور مقدسش بار یابد چه سربلند و سرافراز خواهد بود؟!

آیا جز این است که منتظری که در طلب زیباترین پدیده عالم است خود را به خوبی‌ها می‌آراید و از زشتی‌ها و ردائل اخلاقی دوری می‌کند و در مسیر انتظار همواره مراقب افکار و اعمال خویش است؟! و گرنه افتادن به دام بدیها رفته رفته فاصله او و معشوق خوبان را زیادتر خواهد کرد و این حقیقتی است

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ص ۵۳۵.

که در بیان هشدار دهنده آن امام موعود آمده است:

«فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ!»

هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است مگر آنچه از کارهای ایشان که به ما می‌رسد. اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم!»

نهایت آرزوی منتظران آن است که در برپایی دولت مهدوی و حکومت عدل جهانی سهمی داشته باشند و افتخار یآوری و همراهی آخرین حجت حق را بدست آورند ولی مگر نیل به چنین سعادت بزرگی جز با خودسازی و آراستگی اخلاقی میسر است؟!

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ

وَهُوَ مُنْتَظَرٌ؛^۲

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.»

و روشن است که در مسیر تحقق چنین خواسته‌ای هیچ الگو و نمونه‌ای برتر از آن امام بزرگوار که آینه تمام زیبایی هاست یافت نمی‌شود.

یاد امام

آنچه منتظران را در کسب معرفت امام و پیروی از آن بزرگوار یاری می‌دهد و پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد؛ پیوستگی و ارتباط مداوم با آن طیب جان‌ها است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷.

به راستی وقتی آن امام مهربان امت، همیشه و همه جا به حال شیعیان خود نظر دارد و لحظه‌ای آنها را از یاد نمی‌برد آیا رواست که دلدادگان روی او به دنیا و تعلقات آن سرگرم شوند و از آن عزیز، غافل و بی‌خبر بمانند؟ یا راه و رسم دوستی و محبت آن است که در همه حال او را بر خود و دیگران مقدم بدانند. وقتی بر سجاده دعا می‌نشینند از او آغاز نمایند و برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا کنند که آن بزرگوار خود فرمود:

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در همان است.»^۱

و همواره باید زمزمه کنند:

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا؛^۲

«خدایا برای ولی خود، حجة بن الحسن که درود تو بر او و پدران او در این ساعت و در همه ساعات سرپرست و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما و دیده بان باش تا [آن زمان که] او را در زمین خود با میل و رغبت جای دهی و برای مدتی طولانی او را در زمین بهره مند سازی.»^۳

منتظر حقیقی، در هنگام صدقه دادن، ابتدا سلامتی وجود شریف امام خود را در نظر می‌گیرد و به هر بهانه دستِ توسل به دامن پر مهر او می‌زند و به اشتیاق ظهور مبارک او و دیدن جمال بی‌مثالش ناله سر می‌دهد.

«عَزِيزٌ عَلٰى اَنْ اَرٰى الْخَلْقَ وَلَا تُرِي^۳؛

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۷.

۲. مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

۳. همان، دعای ندبه.

سخت است بر من که همه را ببینم و تو دیده نشوی!!»

رهرو راه انتظار در مجالسی که به نام آن محبوب دل‌ها تشکیل می‌شود حضور می‌یابد تا ریشه‌های محبت او را در دل خود محکم‌تر کند و به مکان‌هایی مانند مسجد سهله و مسجد جمکران و سرداب مقدّس که منسوب به امام عصر علیه السلام است رفت و آمد می‌کند.

و از زیباترین جلوه‌های یاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح در زندگی منتظران ظهورش آن است که هر روز با او تجدید عهد کرده و پیمان وفاداری ببندند و استواری خود را بر آن عهد اعلام کنند.

در فرازی از دعای عهد چنین می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَيِّحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لِأَحْوَلِ عَنْهَا وَلَا زَوْلَ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.»^۱

بار خدایا من در بامداد این روز و تمام دوران زندگی، عهد و پیمان و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم با او تجدید می‌کنم، که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا مرا از یاران و کمک‌کاران آن حضرت و مدافعان از حریم مقدس او و شتاب‌کنندگان به سوی او برای انجام خواسته‌هایش و اطاعت‌کنندگان از دستوراتش و حمایت‌کنندگان از وجود شریفش و سبقت‌جویان به سوی خواسته‌اش و شهیدان در رکاب حضرتش قرار ده.»

اگر کسی پیوسته این عهد را بخواند و از عمق جان به مضامین آن پای بند

باشد هرگز به سستی گرفتار نمی‌شود و در تحقق آرمان‌های امام خود و زمینه سازی برای ظهور آن بزرگوار لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند. و به راستی که شایسته حضور در میدان یاری آن ذخیره الهی خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند از یاوران قائم ما خواهد بود. و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد [و قائم علیه السلام را یاری دهد]...».

وحدت و همدلی

از وظایف تک تک افراد قبیله انتظار که بگذریم، جمعیت منتظران نیز باید طرح و برنامه‌ای داشته باشند که در راستای اهداف امام و حجت الهی باشد. به بیان دیگر اجتماع منتظر لازم است که تلاش و حرکت خود را در مسیر رضایت رهبر موعود قرار دهد.

بنابراین جامعه منتظر بر آن است که عهد و پیمان خود با امام را به انجام رساند تا زمینه مناسب برای ظهور دولت مهدوی فراهم شود.

امام عصر علیه السلام در یکی از بیانات خود به چنین جمعیتی اینگونه بشارت داده است:

«اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را در راه اطاعتش یاری دهد - در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، یکدل و مصمم باشند؛ البته نعمت دیدار، از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت ملاقات ما برای آنها با معرفت کامل و راستین

نسبت به ما، تعجیل می‌گردد.»^۱

و آن عهد و پیمان همان است که در کتاب خدا و سخنان نمایندگان خدا آمده است که مهمترین آنها را بیان می‌کنیم:

۱. تلاش در جهت پیروی از امامان علیهم‌السلام و دوستی با دوستان ائمه علیهم‌السلام و بیزاری جستن از دشمنان آنها.

امام باقر علیه‌السلام از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم روایت کرده که فرمود:

«خوشا حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند در حالی که پیش از قیام، از او پیروی کرده باشند. با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی نموده باشد. آنها رفیقان من و اهل دوستی و محبت من و گرامی ترین امت من نزد من در روز قیامت هستند!!»^۲

۲. جمعیت منتظران در مقابل بدعت‌ها و انحراف‌ها در دین و رواج منکرات و زشتی‌ها در سطح جامعه بی تفاوت نیستند و نیز در برابر فراموش شدن سنت‌های نیکو و ارزش‌های اخلاقی از خود واکنش نشان می‌دهند.

از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم روایت شده که فرمود:

«البته در پایان این امت (دوره ی آخر الزمان) گروهی خواهند بود که پاداش آنها همانند اجر امت اول اسلامی خواهد بود. آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با اهل فتنه (و فساد) می‌جنگند.»^۳

۳. جامعه منتظر در برخورد با دیگران وظیفه دارد که تعاون و همکاری را

۱. احتجاج، ج ۲، ش ۳۶۰، ص ۶۰۰.

۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

۳. دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۳.

سر فصل برنامه‌های خود قرار دهد. و افراد این جامعه به دور از تنگ نظری و خود محوری، پیوسته حال فقراء و نیازمندان جامعه را پی گیری می‌کنند و از آنان بی خبر نمی‌مانند.

گروهی از شیعیان از امام باقر علیه السلام درخواست نصیحت کردند؛ حضرت فرمود: «از میان شما آنکه نیرومند است، ضعیف را یاری کند و آنکه بی نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما نسبت به دیگری خیرخواهی کند.»^۱

گفتنی است که دایره این همکاری و همیاری محدود به محیطی که در آن زندگی می‌کنند نیست بلکه خیر و نیکی منتظران به محیط‌های دورتر و نیازمندان شهرهای دیگر نیز می‌رسد زیرا که در پرتو روح انتظار هیچ جدایی و دوگانگی بین افراد احساس نمی‌شود.

۴. افرادی که عضو جامعه منتظر هستند باید به جامعه رنگ و بوی مهدوی بدهند و نام و یاد امام را در همه عرصه‌ها بلند کنند و گفتار و کردار امام را به عنوان سرآمد همه سخنان و شیوه‌ها به نمایش عمومی بگذارند و در این راه با همه وجود بکوشند که بدون تردید مورد عنایت و لطف ویژه امامان علیهم السلام خواهند بود.

عبدالحمید واسطی از یاران امام باقر علیه السلام به آن حضرت می‌گوید: «ما در انتظار امر فرج همه زندگی خود را وقف کردیم به گونه‌ای که برای بعضی از ما مشکلاتی را به همراه داشته است!»

امام علیه السلام در پاسخ او می‌فرماید:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ح ۵، ص ۱۲۳.

«ای عبدالحمید، آیا گمان می‌کنی که خداوند راه رهایی (از مشکلات) را برای آن بنده‌ای که خود را وقف خداوند کرده باشد قرار نداده است؟! آری به خدا قسم خداوند برای او راه چاره‌ای قرار خواهد داد. خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر (ولایت) ما را زنده دارد!»^۱

سخن آخر اینکه جامعه منتظر باید بکوشند که در همه ابعاد زندگی اجتماعی، الگوی سایر اجتماعات باشند و همه زمینه‌های لازم برای ظهور منجی موعود را فراهم کنند.

آثار انتظار

بعضی گمان کرده‌اند که انتظار مصلح جهانی، افراد را در حالت سکون و بی تفاوتی قرار می‌دهد و آنها که منتظرند تا اصلاحگری جهانی قیام کند و فساد و تباهی را بردارد، خود در مقابل بدیها و پلیدی‌ها واکنشی نخواهند داشت بلکه ساکت و بی تفاوت، دست روی دست خواهند گذاشت و تماشاگر جنایت‌ها خواهند بود!!

ولی این نگاه، یک نگاه سطحی و به دور از اندیشه و دقت است. زیرا با توجه به آنچه در حقیقت انتظار امام موعود و ویژگی‌های آن و نیز ابعاد انتظار و ویژگی‌های منتظران مطرح شد، روشن است که روحیه انتظار، آن هم با ویژگی‌های منحصر به فرد و جایگاه بی نظیر امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشیوع نه تنها سکون و سردی را به دنبال ندارد بلکه بهترین عامل حرکت و پویایی است.

انتظار، در منتظر غوغایی مبارک و حرکتی هدف دار پدید می‌آورد و هر چه

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ح ۱۶، ص ۱۲۶.

منتظر، به حقیقت انتظار، نزدیک‌تر شود سرعت حرکت او به سوی مقصد بیشتر خواهد شد. در پرتو انتظار، آدمی از خود محوری رهایی می‌یابد و خود را جزئی از جامعه اسلامی می‌بیند؛ بنابراین می‌کوشد تا جامعه را در حد توان خود به صلاح و درستی نزدیک کند و وقتی جامعه‌ای از عناصری این چنین با هویت تشکیل یابد، اجتماعی در جهت ترویج فضیلت‌ها پدید می‌آید و حرکت عمومی به سوی اقامه خوبی‌ها، شکل می‌گیرد و در چنین محیطی که محیط صلاح و سازندگی و فضای امیدبخشی و نشاط و عرصه تلاش و همیاری و همکاری است، زمینه رشد باورهای دینی و بینش عمیق مهدوی در افراد جامعه پدید می‌آید و منتظران، که به برکت انتظار، در فساد محیط حل نشده‌اند بلکه هویت دینی و مرزهای اعتقادی خود را حفظ کرده‌اند، در برابر سختی‌ها و مشکلات دوران انتظار بردباری می‌کنند و به امید تحقق وعده حتمی الهی بلاها را به جان می‌خرند و لحظه‌ای گرفتار سستی و یا ناامیدی نمی‌شوند.

راستی کدام مکتب و مذهبی را می‌شناسید که برای پیروان خود چنین مسیر روشنی را ترسیم کرده باشد؟! مسیری که با انگیزه‌ای الهی پیموده می‌شود و در نهایت پاداشی بس بزرگ را به ارمغان می‌آورد.

پاداش منتظران

خوشحال آنانکه چشم به راه خوبی‌ها نشسته‌اند! چه بزرگ است پاداش آنان که به انتظار موعود جهانی روزگار می‌گذرانند و چه شکوهمند است رتبه و مقام آنان که منتظر حقیقی قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند!

بجاست که در بخش پایانی از فصل انتظار، از فضیلت و رتبه بی نظیر جرعه نوشان جام انتظار سخن بگوییم و نمونه‌هایی از کلمات پیشوایان دین را

بیاوریم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خوشا به حال شیعیان قائم ما (اهل بیت)، آنها که در دوران غیبت او، ظهورش را انتظار دارند و در ایام ظهورش سر به فرمان او می آورند. آنها دوستان خدایند که هیچ ترس و اندوهی برای ایشان نخواهد بود.»^۱

و چه افتخاری از این برتر که مدال دوستی پروردگار را بر سینه دارند. و چرا باید گرفتار غم و اندوه شوند و حال آنکه زندگی و مرگ آنها ارزشی گران پیدا کرده است.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

«کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد.»^۲

آری آنان که در دوران غیبت بر ولایت امام زمان خود باقی بمانند و عهد و پیمان خود با آن بزرگوار را استوار دارند مانند رزمندگانی هستند که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه به خون خود غلطیده اند!

منتظرانی که جان بر کف به انتظار یاری فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایستاده اند از هم اکنون در خیمه جنگ و در کنار امیر جبهه حق هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر کسی از شما (شیعیان) بمیرد در حالی که منتظر امر (فرج امام

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۵۴، ص ۳۹.

۲. همان، ج ۲، باب ۳۱، ح ۶، ص ۵۹۲.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک باشد همانند کسی است که در کنار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریک و در خیمه اش بوده است! سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: نه بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیده و شمشیر زده است! سپس فرمود: نه به خدا قسم؛ بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیده باشد.^۱

این گروه همان جماعتی هستند که قرن‌ها پیش، پیامبر بزرگ خدا آنها را برادران و رفقاء خود خوانده است و دوستی و مودت قلبی خود را نسبت به ایشان اعلام کرده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«روزی پیامبر در حضور گروهی از اصحاب خود فرمود: خدایا برادران مرا به من نشان ده! و این جمله را دو بار فرمود: اصحاب حضرت گفتند: ای رسول خدا آیا ما برادران تو نیستیم؟!»

فرمود: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستند در آخرالزمان؛ که به من ایمان می‌آورند و حال آنکه هرگز مرا ندیده اند! خداوند آنها را به اسم خود و پدرانشان به من معرفی کرده است... استواری هر یک از ایشان در دین خود از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت‌تر است. آنها مشعل‌های هدایت هستند که خداوند آنها را از فتنه‌های تیره و تاریک نجات می‌بخشد.^۲

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خوشا حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و حال آنکه پیش از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

۲. همان، ص ۱۲۳.

قیامش به او اقتدا کرده باشد. با دوستان او دوستی و از دشمنان او بیزاری جسته باشد و امامان پیش از او را نیز دوست داشته باشد. آنها رفقای من و صاحبان دوستی و مودت من و گرامی ترین امت من نزد من هستند.»^۱

و اینان که به چنین مقام و رتبه‌ای نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دست یافته‌اند به شرف خطاب حضرت دوست مشرف می‌شوند! آن هم ندایی که مملو از محبت و عشق است و حکایت از نهایت تقرب و نزدیکی آنها به محضر حضرت حق دارد.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«روزگاری بر مردم می‌آید که امامشان غایب خواهد بود پس خوشا حال آنان که در آن زمان بر امر (ولایت) ما استوار بمانند. به راستی که کمترین پاداش آنها این است که حضرت پروردگار آنها را ندا می‌دهد که: ای بندگان من، به سر من (و امام غایب) ایمان آوردید و او را تصدیق کردید پس شما را بشارت باد به پاداش نیکوی من، شما به حقیقت بندگان من هستید. اعمال شما را می‌پذیرم و از خطاهای شما می‌گذرم و به (برکت) شما باران را بر بندگانم نازل می‌کنم و بلا را از ایشان می‌گردانم و اگر شما (در میان مردم) نبودید حتماً عذاب خود را [بر مردم گنهکار] می‌فرستادم.»^۲

ولی به راستی چه چیز منتظران را آرام می‌کند و انتظار آنها را پایان می‌دهد؟ چه چیز روشنی چشم ایشان است و دل بی‌قرار آنها را قرار و آرام می‌بخشد؟ آیا آنان که عمری به جاده انتظار چشم دوخته‌اند و در همین مسیر با همه سختی‌هایش راه پیموده‌اند تا به دشت سر سبز موعود منتظر پای گذارند به پاداشی کمتر از هم نشینی با محبوب و معشوق خود راضی می‌شوند؟! و چه فرجامی از این زیباتر و چه لحظه‌ای از این باشکوه‌تر!

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

۱. کمال‌الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

۲. همان، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

«خوشا حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما، چنگ زنند و بر دوستی، و بیزاری از دشمنانمان استوار بمانند. آنها از ما هستند و ما از آنها. آنها به پیشوایی ما راضی شدند (و امامت ما را پذیرفتند) و ما نیز به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم. خوشا حال ایشان!! به خدا قسم اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.»^۱

ما منتظریم

خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به اهتمام: حسن ملایی



بخش ششم. انتظار و منتظران



مطلب اول. انتظار

مقدمه (جایگاه انتظار)

انتظار، کلیدواژه‌ای اصلی برای فهم دین

انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است.^۱

انتظار موضوع پر مغز در تفکر شیعه

انتظار ظهور صاحب‌الزمان علیه‌الصلاة والسلام یکی از آن مسایل پرمغز و پرمعنا و دارای مضامین عالی در مجموعه‌ی تفکرات شیعه است.^۲

گفتار اول. مفهوم شناسی انتظار

برداشت مثبت و منفی از انتظار

دو جور برداشت از قضیه‌ی انتظار و ترقب ظهور امام زمان عجل الله فرجه میشود داشت؛ یک برداشت منفی و یک برداشت مثبت. برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سالهای متمادی کوشش میکردند به مردم تزریق کنند. برداشت منفی این است که مردم بگویند که به ما چه و ما چه‌کاره هستیم که در مقابل ظلم، فساد، کفر، بدی و شرارت بایستیم، ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان عجل الله فرجه خودش بیاید و مشکل را حل کند، این برداشت منفی است. این همان برداشتی است که در طول سالیان متمادی سعی کردند در ذهن مردم مسلمان این را وارد کنند. سلب مسئولیت نسبت به همه‌ی شرارها و بدی‌های موجود در جامعه. یک برداشت، برداشت مثبت و صحیح است و آن این است که اگر امام زمان عجل الله فرجه خواهد آمد، پس هر حرکتی و هر مبارزه‌ای یک امیدی و یک آینده‌ی روشنی برای خود خواهد داشت.^۳

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس جهانی اهل بیت در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۲/۱۱/۸.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۱/۱۲.

(معنای انتظار)

انتظار یعنی اشتیاق برای دسترسی به وضعی بهتر و بالاتر

انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است.^۱

انتظار یعنی مژد یک حقیقت قطعی

انتظار؛ انتظار یعنی ترقب، یعنی مژد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است.^۲

نقش زنده بودن امام در فهم معنای انتظار

به خصوص انتظار یک موجود حی و حاضر؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است... یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار.^۳

(مقصود از انتظار ظهور امام زمان)

انتظار اسلامی یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، صمیمیت و معنویت

انتظار اسلامی؛ یعنی، انتظار دنیایی سرشار از عدالت، راستی، صمیمیت، انسانیت، معنویت، فضیلت و اخلاق انسانی صحیح که در آن حاکمیت زر و زور و تبلیغات مزورانه و خبیثانه رسانه‌های جمعی شرق و غرب، راهی ندارد.^۴

انتظار ظهور امام زمان علیه السلام به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه‌ی انسانها [و] انتظار رفع ظلم از صحنه‌ی زندگی بشر و انتظار فرا رسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است.^۵

انتظار فرج یعنی انتظار حاکمیت قرآن و اسلام

انتظار فرج... یعنی، انتظار حاکمیت قرآن و اسلام. شما به آنچه فعلاً جهان در آن قرار دارد، قانع نیستید. حتی به همین پیشرفتی هم که با انقلاب اسلامی به دست آوردید، قانع نیستید. میخواهید

۱. سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. همان.

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۱۰/۲۸.

۵. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

باز هم به حاکمیت قرآن و اسلام، نزدیکتر بشوید. این انتظار فرج است.^۱

انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیت

انتظار فرج، یعنی، انتظار گشایش از کار انسانیت. امروز کار انسانیت، در گره‌های سخت، پیچیده و گره‌خورده است.... امروز فرهنگ مادی، به زور به انسانها تحمیل شده است؛ این یک گره است. امروز در سطح دنیا، تبعیض انسانها را می‌آزارد؛ این گره بزرگی است. امروز کارِ ذهنیتِ غلط، مردم دنیا را به آنجا رسانده است که فریاد عدالت‌خواه یک ملت انقلابی، در میان عریده‌های مستانه‌ی قدرت‌گرایان و قدرتمندان گم میشود؛ این یک گره است. امروز مستضعفان آفریقا و آمریکای لاتین، میلیون‌ها انسان گرسنه‌ی آسیا و آسیای دور، میلیون‌ها انسان رنگین پوستی که از ستم تبعیض نژادی رنج می‌برند؛ چشم امیدشان به یک فریادرس و نجات‌بخش است و قدرت‌های بزرگ نمیگذارند، ندای این نجات‌بخش به گوش آنها برسد؛ این یک گره است. فرج؛ یعنی، باز شدن این گره‌ها. دید را وسیع کنیم؛ به داخل خانه‌ی خودمان و زندگی معمولی خودمان محدود نشویم.^۲

معنای انتظار فرج به عنوان عبارة اخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند.^۳

انتظار یعنی امید به پایان زندگی بشریت

انتظار؛ یعنی، دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر؛ ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند؛ اما بلاشک آن دوران وجود دارد.^۴

انتظار یعنی امید همراه با تلاش

«ما منتظریم»، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران

۱. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰

۲. همان

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

و زورگویان پُر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر، زورگو، ظالم، قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوا و هوس خود پیدا نخواهد کرد.^۱

انتظار یعنی امید به گشایش در گره بشریت

یک نکته در باب مسئله‌ی مهدویت این است که شما در آثار اسلامی، در آثار شیعی می‌بینید که از انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام تعبیر شده است به انتظار فرج. فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی‌ای وجود داشته باشد، وقتی گرهی هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه‌ی وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا میکند به فرج؛ یعنی سرانگشتِ گره‌گشا؛ بازکننده‌ی عقده‌های فروبسته. این نکته‌ی مهمی است.

مسئله، مسئله‌ی گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصّلاة و السّلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد.

انتظار یعنی چشم به راه دگرگونی فضای ظلم بر بشریت

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه‌ی ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند.^۲

(گسترده‌ی مفهوم انتظار)

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است... هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود.^۳

۱. سخنانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر علیه السلام، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام یک مصداق از انتظار فرج

یک انتظار، انتظارِ فرجِ نهایی است؛ یعنی اینکه بشریت اگر میبیند که طواغیت عالم ترک‌تازی میکنند و چپاولگری میکنند و افسارگسیخته به حق انسانها تعدی میکنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره‌ی نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بداند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «لباطل جولة» - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل و او خواهد آمد. انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستمها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداقهای دیگر هم دارد. وقتی به ما میگویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم میگیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمیشود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله‌ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشیدِ فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسانهاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسانهاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم میشود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی اینکه دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط، تحرک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه‌ی قرآنی است که: «وَ تُرِيدُ أَنْ مَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» یا «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». یعنی هیچ‌وقت ملتها و امتهای نباید از گشایش مأیوس شوند.^۱

برداشت غلط از انتظار

یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این‌طور به مردم یاد داده بودند که انتظار؛ یعنی اینکه شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان ع خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را برطرف نماید!^۱

انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهی همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان علیه الصلاة و السلام هستیم. اینکه انتظار نیست.^۲

اعتقاد به امام زمان ع به معنای گوشه‌گیری نیست. جریانهای انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ میکردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ میکنند که امام زمان ع می‌آید و اوضاع را درست میکند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزوم دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه‌ی دنیا را روشن کند. خورشید فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد.^۳

اگر امام زمان ع دنیای پر از عدل و داد درست خواهد کرد پس ما باید به سهم خودمان در زمینه‌سازی این دنیا کوشش کنیم. اگر خورشید منوری خواهد درخشید و دنیا را روشن و منور خواهد کرد این بدین معنا نیست که ما در شب تاریک وقتی نمی‌توانیم خورشید بیافرینیم چراغی هم روشن نکنیم.^۴

گفتار دوم. اهمیت انتظار

چرایی اهمیت انتظار

اینکه در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال اُمّت، انتظار فرج است یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فدا، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟^۵

-
۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر ع، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.
 ۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.
 ۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.
 ۴. سخنرانی رهبر معظم، ۱۳۶۷/۱/۱۲.
 ۵. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر ع، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

انتظار، روح حیات و محور زندگی امروز

ما که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه آلف التحیه و الثناء و عجل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.^۱

ما امروز برای انتظار، باید باب به خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند.^۲

انتظار یکی از بزرگترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی

انتظار... از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی، عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است.^۳

حقیقتاً روحیه‌ی انتظار و روحیه‌ی ارتباط با ولی عصر ارواحنا فداه و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی است.^۴

انتظار نشانه‌ی انسان زنده

امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه‌ی ظلم و جور را که همه‌ی بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسانها بوزاند، تا انسانها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشه‌ی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است.^۵

انتظار موعود، نیاز بشریت و امت اسلامی

یک چنین حقیقت بارز، واضح و برانگیزاننده‌ای؛ این کمک میکند به معنای انتظار. این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد.^۶

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۳. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۴. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث»، ۱۳۹۲/۲/۲۱.

۵. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۶. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه‌ی آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملت‌های ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند.^۱

عَلَّت «افضل الاعمال» بودن انتظار

وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله‌ی با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشیدِ فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقَّع و مورد انتظار است. این، درس امید به همه‌ی انسان‌هاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه‌ی انسان‌هاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم میشود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست.^۲

گفتار سوم. لزوم انتظار

خدای متعال به دست او، سرزمین بشری و همه‌ی روی زمین را از عدالت و دادگستری پُر خواهد کرد. انتظار چنین روزی را باید داشت.^۳

بدانیم که یک حادثه‌ی بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدتها مانده است که این اتفاق بیافتد، هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود.^۴

انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد.^۵

هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود.^۶ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، میفهمند - باید

۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر(عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان(عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۴. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۵. سخنان مقام معظّم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

خود را آماده کنند، باید منتظر و مژّرد باشند.^۱

گفتار چهارم. ثمره و نتایج انتظار

گشایش ابواب رحمت و معرفت

گشایش ابواب رحمت و معرفت و سرازیر شدن سرچشمه‌های معرفت بر دل انسان، یکی از عمومی‌ترین نمونه‌های انتظار فرج است.^۲

انتظار، دریچه‌ی فرج و گشایش

منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه‌ی فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومییدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله‌ی امام زمان سلام الله علیه این است.^۳

نشاط و پویایی

آن روزی که ملت ایران قیام کرد، امید پیدا کرد که قیام کرد. امروز که آن امید برآورده شده است، از آن قیام، آن نتیجه‌ی بزرگ را گرفته است و امروز هم به آینده امیدوار است و با امید و با نشاط حرکت میکند... این، نتیجه‌ی انتظار فرج است.^۴

وقتی به شما میگویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان میدهد و دلتان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا میکند! این، نقش اعتقاد به امام زمان صلوات الله علیه و ارواحنا فداه است.^۵

انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرّک و پویایی است در همه‌ی زمینه‌ها.^۶

۱. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{عج} و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۸.

۳. بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳/۳/۲۱.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۵. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر^{عج}، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

استقامت

اَتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رثوفانه و پدران‌هی حضرت بقیة‌الله (أرواحنا فداه) به مَلت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوَّت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند.^۱

پیشرفت و موفقیت

ما ملّتی منتظر هستیم؛ ملّتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موقّق شد.^۲

امام زمان علیه سلام الله، رمز عدالت و مظهر قسط الهی در روی زمین است. به همین جهت است که همه‌ی بشریت، به شکلی انتظار ظهور آن حضرت را میکشند...وقتی مَلت ما، قبل از پیروزی انقلاب به مبارزات مشغول بودند، احساسشان این بود که در جهت پیشرفت به سمت آرمان بشریت حرکت میکنند.^۳

هرچه دلها با مقوله‌ی مهدویت آشنا شود و انس پیدا کند و حضور آن بزرگوار برای ما، ما مردمی که در دوران غیبت هستیم، محسوس‌تر شود و بیشتر حس کنیم و رابطه‌ی بیشتر داشته باشیم، این برای دنیای ما و برای پیشرفت ما به سمت آن اهداف بهتر خواهد بود.^۴

گفتار پنجم. ابعاد انتظار

انتظار دارای ابعاد مختلفی است

معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجّه به این ابعاد، برای کسی که میدانند در فرهنگ اسلام و شیعه، چقدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است.^۵

اعتراض و قانع نشدن به وضع موجود، یک بُعد انتظار

یک بُعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی

۱. همان.

۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر^{علیه السلام}، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۳. بیانات در دیدار میهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشربهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

۴. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{علیه السلام} و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۵. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر^{علیه السلام}، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

هرچه خیر و عملِ خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم، تا ظرفیتِ نیکی عالم پُر بشود.^۱

یکی از خصوصیاتِ که در حقیقتِ انتظار گنجانده شده است، این است که انسان به وضع موجود، به اندازه‌ی پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد؛ بخواهد روزبه‌روز این پیشرفت را، این تحققِ حقایق و خصال معنوی و الهی را در خود، در جامعه بیشتر کند.^۲

امام زمان (علیه الصلوة و السلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیر عادلانه، این نظم بشری‌ای که در آن انسانهای بی‌شماری مظلوم واقع میشوند، دل‌های بی‌شماری گمراه میشوند، انسانهای بی‌شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمیکنند، مورد ردّ و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان علیه السلام است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است.^۳

امید و اطمینان به آینده‌ی مطلوب، بعد دیگر انتظار

انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجودِ زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلّم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت‌بن‌الحسن، مهدی صاحب زمان صلوات‌الله علیه و عجل‌الله فرجه و ارواحنا فداه تحقق پیدا خواهد کرد.^۴

یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی اینکه تفکر الهی این اندیشه‌ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است، یک روز سراسر زندگی بشر را فراخواهد گرفت. یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد.^۵

یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مأیوس نبودن است... انتظار واقعی، با اطمینان و

۱. همان.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۴. همان.

۵. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر علیه السلام، ۱۳۹۰/۱۲/۱۱.

اعتماد ملازم است. کسی که شما میدانید خواهد آمد، انتظارش را میکشید و انتظار کسی که به آمدنش اعتماد و اطمینان ندارید، انتظاری حقیقی نیست. اعتماد، لازمه انتظار است و این هر دو، ملازم با امید است.^۱

امروز هر فرد شیعه، میداند که در یک آینده‌ای - آن آینده، ممکن است خیلی نزدیک باشد، ممکن است دوردست باشد، به هر حال قطعی است - این بساط ظلم و بی‌عدالتی و زورگویی، که امروز در دنیا هست، برچیده خواهد شد. میداند که این وضعی که مستکبران در دنیا به وجود آورده‌اند - که هر کسی حرف حقی بزند و راه حقی را دنبال کند، از طرف آنها مورد فشار قرار میگیرد و اراده‌ی فاسد خودشان را بر ملت‌ها تحمیل میکنند - یک روزی از بین خواهد رفت و گردنکشان، طاغیان، یاغیان و قدرت‌های زورگوی عالم، ناگزیر خواهند شد که در مقابل حق، تسلیم بشوند یا از سر راه حرکت حق، برداشته بشوند هر فرد مسلمان - به خصوص هر فرد شیعه - این را میداند و به آن یقین دارد. این خیلی امیدبخش است.^۲

این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمه‌ی امید را از دل‌های منتظران نمیزداید و خاموش نمیکند. اگر این نقطه‌ی امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه به آینده‌ی بشریت، بدبین باشد.^۳

ما به اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و روی کار آمدن حکومت حق و عدل مطلق در حقیقت معتقد هستیم که آینده‌ی دنیا یک آینده‌ی امیدبخش و مسرت‌بخشی است برای انسان... با این اعتقاد، با این امید آینده برای ما روشن است. این آینده اگر چه به نظر کسانی که با عادت‌های معمولی مادی خود قضایا را تحلیل میکنند، بعید است؛ اما با توجه به اینکه جریان زندگی انسان به طرف عدل و کمال زندگی انسانی پیش میرود؛ همچنین با توجه به این معجزه در دوران تاریخ به صورت ناقص بارها به وقوع پیوست، این استبعاد هم برطرف میشود. از جمله‌ی این دفعاتی که این معجزه به وقوع پیوست، همین انقلاب اسلامی مردم ایران بود.^۴

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. سخنرانی رهبر معظّم انقلاب، ۱۳۷۷/۹/۱۵.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۴. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۰.

ابعاد دیگری از انتظار

انتظار فرج و اعتقاد به مهدویت علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی بسیار بارز آن دارای جنبه‌های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمی است.^۱

گفتار ششم. لوازم انتظار

انتظار خودسازی و آمادگی همه‌جانبه

باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آن‌چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم. انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهی همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به اینکه ما منتظر امام زمان (علیه الصلوة و السلام) هستیم. اینکه انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار دست قاهر قدرت‌مند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود... انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصلوة و السلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن.^۲

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه الصلوة و السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان علیه الصلوة و السلام کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی دارد...؛ شنیده‌اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد. امروز اگر ما

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱۱/۹.

۲. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم... بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی و عملی پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.^۱

انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه‌ی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است، باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد.^۲

انتظار و تلاش

ما منتظریم، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور، طغیان، ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پُر شده است، در سایه‌ی تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد.^۳

انتظار فرج داشته باشید و بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر اینکه شما انتظارتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد.^۴

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{علیه السلام} و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر^{علیه السلام}، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

انتظار و دغدغه‌ی جهانی

انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه میکند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد.^۱

انتظار، تکلیف‌زایی و مسئولیت‌آفرینی

این انتظار، تکلیف بر دوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، می‌فهمند باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مژمرد باشند.^۲

همه باید آماده باشید. در هر جایی که هستید، باید آماده‌ی خدمتگزاری باشید؛ «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»؛ «بمنتظر» یعنی چه؟ یعنی منتظر مردند؟ نه، یعنی منتظر انجام وظیفه‌اند؛ کجا وظیفه آنها را صدا خواهد زد، تا آنجا حاضر باشند. ما باید منتظر انجام وظیفه باشیم. هر چه که تکلیف الهی ما ایجاد کرد، بخواهیم آن را انجام بدهیم. این، ما را پیروز خواهد کرد و به موفقیت بزرگ خواهد رساند.^۳ ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.^۴

انتظار و بیداری

یکی از ابعاد انتظار، اعتماد و امیدواری به آینده و مایوس نبودن است... امروز ما در دنیا شاهد بیداری ملت‌ها هم هستیم. درست است که با پیشرفت وسایل جدید، تلویزیون، رادیو، تبلیغات، پول، امکانات صنعتی و غیره، تسلط قدرتهای استکباری بر ملت‌ها و بر شئون آنها روزه‌به‌روز بیشتر شده است؛ اما سنت الهی بر این قرار گرفته که ملت‌ها هم بیدار بشوند و ما امروز می‌بینیم که ملت‌ها هم روزه‌به‌روز بیدار میشوند و این به خاطر امیدی است که آنها به آینده پیدا کرده‌اند. امید، در حال بیدار کردن ملت‌هاست.^۵

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. سخنرانی در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۶/۲۷.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۵. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظّم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان (عج)، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

اکنون به برکت بیداری امت اسلامی، افق آینده برای مسلمانان بیش از هر زمان دیگر تابناک‌تر است، و دشمنان اسلام و دنیاطلبان به ضعف و شکست خود اذعان میکنند.^۱

انسانها میتوانند تلاش کنند و پرچم عدالت را- و لو در یک نقطه‌ی محدود- بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی میکنند، اگر این امید را در دل خود پیروانند که میشود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملت‌ها بیدار میشوند!^۲

انتظار و تسلیم ناپذیری

ملت‌ی که در دلش خورشید امید به آینده، زندگی، لطف و مدد الهی میدرخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمیشود و با این حرف‌ها، از میدان خارج نمیگردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی علیه آلاف التَّحیة و الثناء است.^۳

همچنان که کشورتان را از دست جهان‌خواران بیرون کشیده‌اید و دست گرگ‌ها و سگ‌های ولگرد را از این کشور کوتاه کرده‌اید که کشور متعلق به خودتان و در اختیار خودتان و وابسته به ابتکار و اداره‌ی خودتان است، همچنان که جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته‌اید و محاصره‌ی اقتصادی را به زانو درآورده‌اید، همچنان که تا امروز بحمد الله این مشکلات را تحمل کرده‌اید و از خطرهای بزرگ گذشته‌اید، اگر همین اتحاد و ایمان و ایستادگی در میدان‌های انقلاب و همین وفاداری به خط‌ی امام عظیم‌الشأن و همین نرسیدن از استکبار مسلط جهان‌خوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه‌ی هدف‌های دیگر شما هم برآورده خواهد شد؛ که یکی از این هدف‌ها، نابود شدن و از هم پاشیده شدن پیکره‌ی استکبار جهانی است؛ این وعده‌ی الهی است و وعده‌ی الهی بلاشک عمل خواهد کرد؛ اگرچه بسیاری در دنیا آن را نپسندند و نخواهند؛ این همان چشم‌اندازی است که به ما امید میدهد؛ و این همان امیدی است که در جریان انتظار فرج، آموزش‌های اسلامی به ما یاد داده است. این شاء الله

افق‌های روشن، یکی پس از دیگری، در مقابل آن ملت‌ی است که در حال راه رفتن و حرکت است.^۴

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۱۰.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

انتظار و جهاد و مبارزه

همین روح انتظار است که به انسان تعلیم میدهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. اگر انتظار و امید نباشد، مبارزه معنی ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد.^۱

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان‌زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرمندان، ستمگران، قوی‌دستان و مسلطین بر امور انسانهای مظلوم بوده است. امید، موجب میشود که انسان به مبارزه بپردازد و راه را باز کند و پیش برود.^۲

اگر در دلها امید به روزگار روشن باشد، مبارزه ممکن است و اگر امید بمیرد، مبارزه و حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد.^۳

وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیة‌الله (أرواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مؤمن و مبارز میتواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند.^۴

اعتقاد به قضیه‌ی مهدی علیه السلام و موضوع ظهور و قَرَج و انتظار، گنجینه‌ی عظیمی است که ملتها میتوانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند... امید موجب میشود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند.^۵

امروز اگر ما میبینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.^۶

مطلب دوم. وظایف منتظران(فرد، جامعه و حکومت)

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان... و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۴. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۶۸/۴/۸.

۵. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

بروبرگرد هم ندارد. همان‌طور که یکبار به اشاره گفتم و الآن هم جز به اشاره نمیتوانم بگویم، چون مجال تفصیل نیست همه‌ی انبیاء و اولیاء آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگ‌راه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بُروز کند. انبیاء و اولیاء این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر و دشته‌ها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه‌ی شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی‌عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه‌ی این تلاشها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه‌ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بروبرگرد ندارد. قطعاً این‌طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.

حال براساس اینها یک نتایج عملی به دست می‌آید و وظایفی بر عهده‌ی انسانهایی که معتقد به این مبانی‌اند، قرار می‌گیرد. فرق نمیکند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد، فرض کنید مثل دوران حکومت طاغوت باشد، یا انسانی باشد که در بین کفار زندگی میکند، این وظایفی که عرض میکنم، در هر دو حالت بر دوش یکایک انسانها هست. این وظایف چیست که اینها نتایج عملی آن بینش است؟ من چند نقطه از این وظایف را یادداشت کرده‌ام که در اینجا مطرح میکنم:...

اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است. عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست که چون امروز حکومت در دست مجموعه‌ی مؤمنین بالله و مؤمنین به اسلام است، ما این وظایف را داریم. آن وقتی هم که قدرت در دست این مجموعه نبود، در دست دشمنانشان بود، در دست طاغوت بود، در دست مفسدین فی‌الأرض بود، همه‌ی این وظایف وجود داشت. بعضی عمل میکردند، بعضی عمل نمیکردند؛ بعضی بیشتر عمل میکردند، بعضی کمتر عمل میکردند. این وظایف الآن هم بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانهاست؛ البته بعضی وظایفشان بیشتر است، بعضی کمتر است. وظیفه‌ی اصلی همه‌ی انبیاء، ائمه و اولیاء این بوده است که مردم را به همین وظایف آشنا کنند؛ چه در دورانی که میتوانستند قدرت را کسب کنند، بگویند بروید مجاهدت کنید و قدرت را به دست آورید و این‌گونه اداره کنید چه آن وقتی که نمی‌شد،

قدرت را به دست بیاورند. همه هم تلاش و مبارزه کرده‌اند؛ «وَ كَايُنُ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيُونُ كَثِيرٍ». جنگ و مبارزه‌ی سیاسی و معارضه‌ی با دشمنان، چیزی نیست که اول بار در اسلام آمده باشد؛ نه. در زمان پیغمبران گذشته انبیای بزرگ الهی، از زمان ابراهیم علیه السلام به این طرف هم بوده است. شاید قبل از ابراهیم علیه السلام هم بوده که من اطلاعی ندارم. بنابراین، این وظایف، وظایفی است که انبیا ما را به آن سمت میکشانند. البته در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان خدا مؤمنین بالله و مؤمنین به سبیل‌الله قرار دارد، این وظیفه سنگین‌تر است. چرا؟ چون توانایی شما به عنوان جزیی از مجموعه‌ی حکومت دولت، با توانایی فردی مثل شما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. فرض کنیم در حکومت طاغوت، آن اختناق و آن شدت‌ها و آن گمراهی‌ها و آن اضلال و سایل ارتباط جمعی و... وجود نداشته باشد؛ امکانات بدهند و معارضه‌ی آن‌چنانی هم نکنند؛ از قدرتشان علیه شما هم استفاده نکنند. وضع کنونی یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی شاید هزار مرتبه از بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقق آرمانهای الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست.^۱

گفتار اول. وظایف فرد منتظر

عبودیت خداوند به معنای وسیع آن

یک وظیفه عبارت است از: عبودیت و اطاعت خداوند. چون عالم مالک، صاحب، آفریننده و مدبّر دارد و ما هم جزو اجزاء این عالمیم، لذا بشر موظّف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلی عالم است؛ چون همه‌ی عالم «يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ «قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ». آسمان و زمین و ذرات عالم، دعوت و امر الهی را اجابت میکنند و بر اساس قوانینی که خدای متعال در آفرینش مقرّر کرده است، حرکت میکنند. انسان اگر بر طبق قوانین و وظایف شرعی و دینی که دین به او آموخته است عمل کند، هماهنگ با این حرکت آفرینش حرکت کرده؛ لذا پیشرفتش آسانتر است؛ تعارض، تصادم و اصطکاکش با عالم کمتر است؛ به سعادت و صلاح و فلاح خودش و دنیا هم نزدیکتر است. البته عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن مورد نظر است؛ چون گفتیم توحید، هم اعتقاد به وجود خداست، هم نفی الوهیت و عظمت متعلّق به بتها،

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

سنگها و چوپهای خودساخته و انسانهای مدعی خدایی و انسانهایی که اسم خدایی کردن هم نمی‌آورند؛ اما می‌خواهند عمل خدایی کنند. پس در عمل، دو وظیفه وجود دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم، و دومی سرپیچی از اطاعت «انداد الله»؛ هر آن چیزی که می‌خواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند. ذهن انسان فوراً به سمت این قدرتهای مادی و استکباری می‌رود؛ البته اینها مصادیقش هستند؛ اما یک مصداق بسیار نزدیکتر دارد و آن، هوای نفس ماست. شرط توحید، سرپیچی کردن و عدم اطاعت از هوای نفس است؛ که این «اخوف ما اخاف» است.^۱

ترس از پروردگار

دشمنان حقیقت، دنیادارانند، قدرتمندانند، طواغیت عاملند؛ در طول تاریخ این‌جور بوده است، تا آخر هم، تا زمانی که دولت حقه‌ی ولی‌عصر ارواحنا فداه ظهور بکند، همین‌جور خواهد بود. این قدرتمندان بیکار که نمی‌مانند؛ ایجاد اشکال میکنند، ضربه می‌زنند، از همه‌ی ابزارهایشان استفاده میکنند. پس باید «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» وجود داشته باشد، و الا اگر از غیر خدا ترسی وجود داشت- به انواع و اقسامه. ترس هم یک‌جور نیست- راه دیگر مُنسد خواهد شد.^۲

تقوای همه جانبه

در این دستگاه عظیم و در این سپاه مقدس که به تعبیر امام رضوان الله تعالی علیه لشکر امام زمان علیه السلام و لشکر اسلام است سعی کنید در تمام زوایا تقوا را زنده کنید؛ تقوا در عمل فردی، تقوا در عمل جمعی، تقوای کاری، تقوای سازمانی، تقوای سیاسی آنجایی که جایش هست تقوا در عمل فردی خود، در رابطه‌ی با خدا، در رابطه‌ی با انسانها، در رابطه‌ی با بیت‌المال و در رابطه‌ی با کار.^۳

«قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اضِرُّوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ ... در این آیه‌ای که عرض کردم، موسی - نبی خدا - به بنی‌اسرائیل که در نهایت ضعف و اختناق به سر می‌بردند، و عوامل دلسردی و نومیدی برای آنها بسیار زیاد بود، یک سنت الهی را بیان کرد: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اضِرُّوا؛ به قوم خود گفت از خدا استعانت بجوئید و

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۳. بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۲۶.

مقاومت کنید، صبر کنید، «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ»؛ زمین متعلق به خداست، در قبضه‌ی قدرت خداست، همه چیز دست خداست. «يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ یعنی این ودیعه‌ی الهی در دست آن کسانی قرار می‌گیرد که خدا اراده کند، و شما می‌توانید به وسیله‌ی تقوا و عمل بر طبق اراده‌ی الهی خودتان را آن کسانی قرار بدهید که خدا می‌خواهد زمین را در اختیار آنها قرار بدهد. «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» این یک حکم کلی است؛ عاقبت و فرجام کار، به نفع مردم با تقواست؛ تقوا با آن معنای وسیعی که دارد در اینجا شاید این جور معنا می‌دهد که آن کسانی که از ورود در مرز محرمات الهی اجتناب می‌کنند، به وظایف خودشان عمل می‌کنند، آنچه را که خدا از مؤمنین خواسته انجام می‌دهند، فداکاری لازم را می‌کنند، انفاق لازم را می‌کنند، و اگر یک عده انسان این جور باشند، یعنی فداکاری کنند، انفاق کنند، تلاش کنند، تنبلی نکنند، این جمعیت با این خصوصیات بدون شک پایان کار را خواهند برد و آینده متعلق به آنها خواهد بود.

همان چیزی که ما در مبارزه‌ی خودمان و در انقلاب خودمان به رأ‌العین مشاهده کردیم... این همان «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» است. در مقیاس تاریخ بشری هم همین معنا وجود دارد؛ یعنی عاقبت در جریان تاریخ متعلق به متقین است.^۱

هدف گرفتن تعالی مادی و معنوی انسان

دوم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی یعنی جامعه تعالی پیدا کند و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظفند برای این چیزها تلاش کنند: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه‌ی سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خُلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسانها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره‌ی قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره‌ی حکومت غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد... اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت

است. عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست.^۱

ترجیح رستگاری اخروی بر دنیوی

سوّم، ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی، اگر باهم تعارض پیدا کردند. این هم یکی از وظایف عملی هر انسانی است که معتقد به آن جهان‌بینی است. یعنی اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدفهای اخروی قرار نگرفت، تا آنجایی که ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدفهای اخروی قرار دهد. اگر یکجا باهم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم‌پوشد چه سود مالی، چه سود قدرت و مقام و محبوبیت و... یا بایستی گناهی را مرتکب شود که موجب وزر اخروی است. لازمی اعتقاد به آن جهان‌بینی این است که انسان جنبه‌ی اخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از آن سود صرف‌نظر کند و آن گناه را مرتکب نشود. بر عهده‌ی هر مسلمانی است که این‌گونه عمل کند. انسان باید فعالیت‌های خودش را برنامه‌ریزی کند؛ به نحوی که با تلاشهای عظیم دنیوی که ناگزیر است آنها را انجام دهد، منافاتی پیدا نکند و برخلاف فلاح اخروی و وظایفی که تخلف از آنها ممکن است در آخرت برای انسان وزر و وبال به بار آورد، نباشد.^۲

مجاهدت و مبارزه

چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است. یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع که حکومت و یا یک قدرت باشد، این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بی‌عملی و بی‌تعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد؛ اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ میگوید به ما چه! کجروپهای برخاسته از هوس نیز همین‌طور است. انسان به اینها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی‌عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل‌الله باشد.^۳

ما از چه چیزی واهمه داشته باشیم؟ چرا واهمه داشته باشیم؟ البته بدهی است که وقتی می‌گوییم

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

مبارزه، معنایش این است که در این موضع قدرت‌مندان و برخاسته از ایمان و اراده می‌ایستیم و تسلیم کسی نمی‌شویم. معنایش این نیست که لشکرکشی میکنیم و به جنگ با امریکا می‌رویم! کار و هدف ما، این نیست. البته هر متجاوزی هم اگر تجاوز کند- هرکه می‌خواهد باشد؛ از امریکا گرفته تا دستها و ابزارها و کوچک ابدال‌هایش در هر جای دنیا- با مشت محکم این ملت روبه‌رو خواهد شد. در این تردیدی نیست. آنچه که برای این ملت اصل است، همان ایستادگی، مقاومت و مبارزه‌ی حقیقی است که خدای متعال را خشنود و قلب مقدس ولی‌عصر ارواحنا فداه را از شما راضی و حالت انتظار آن بزرگوار را در شما تقویت میکند و روح مبارک امام را از شما شاد مینماید و دشمن را ناکام خواهد کرد.^۱

در همین آیه‌ی کریمه‌ی قرآن که راجع به قسط صحبت میکند و می‌گوید خدای متعال همه‌ی پیغمبران را فرستاد، «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ برای اینکه قسط و عدالت را در جامعه مستقر کنند»، بلافاصله می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ؛ یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن می‌گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، معارضه و مبارزه میکنند.»^۲

امید به پیروزی در همه‌ی شرایط

پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه‌ی شرایط است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل‌الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل‌الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل‌الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل‌الله چیست؟ این است که انسان به سبیل‌الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین میتواند در راه آن مجاهدت کند.^۳

روح امید را در خودتان زنده نگه دارید. نام مبارک حضرت مهدی ارواحنا فداه در خطابه‌ی دانشجویان و در سخن همه‌ی کسانی که از دل روشنی برخوردارند، اشاره به ذخیره‌ی امید بشریت

۱. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۷۵/۸/۹.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.

و تاریخ است.^۱

سامان‌دهی زندگی بر محور مهدویت

ما که منتظر امام زمان علیه السلام هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان علیه الاف التحیه و الثناء و عجل الله تعالی فرجه تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آنگونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.^۲

مناجات با خدا

من به جوانان توصیه میکنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه‌ی مجالس دعا و تضرع و فهمیدن مفاهیم این دعاها را- که بفهمید با خدا چه میگویید و چه صحبت میکنید- جدی بگیرید. از یک طرف بازوانِ فعال و گام استوار در راه سازندگی علمی و عملی؛ از یک طرف دلِ خاشع و خاضع در مقابل پروردگار و توجه و توسل به خدای متعال و استمداد از اولیای مطهر و معصومش؛ به خصوص حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه.^۳

دعا کنید، نافله بخوانید، توجه پیدا کنید، متذکر باشید؛ در شبانه‌روز، یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید؛ از کارها و اشتغالات گوناگون، خودتان را بیرون بکشید؛ با خدا و با اولیای خدا و با ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه مأنوس بشوید.^۴

ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

یک جمله در پایان عرض بکنم در مورد لزوم ارتباط عاطفی معنوی روحی با آن امام بزرگوار و ولی معصوم الهی برای یکایک ما. مسئله را در حد تحلیل روشنفکری و فکری محدود نکنید. آن معصوم برگزیده‌ی خدا امروز در میان ما انسانها در یک جای دنیا که ما نمیدانیم زندگی میکند، او وجود دارد، او دعا میکند، او قرائت قرآن میکند، او تبیین مواضع الهی میکند، او رکوع و سجود میکند، او عبادت میکند، او دعا میکند، او در مجامعی ظاهر میشود، کمک به انسانهایی میکند، او وجود

۱. بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۱۳۸۳/۱۰/۲.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مسئولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۳. بیانات در اولین روز ورود به ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲.

۴. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۵/۲۳.

خارجی دارد، وجود عینی دارد، منتها برای ما ناشناخته است. این انسان برگزیده‌ی پروردگار امروز هست و ما باید رابطه‌یمان را به صورت شخصی به صورت قلبی به صورت روحی نیز علاوه بر شکل اجتماعی و سیاسی‌اش که بحمدالله نظام ما در جهت خواست آن بزرگوار است، ان‌شالله، باید تقویت کنیم، یعنی تک تک افراد جامعه‌ی ما توّسل به حضرت ولی‌عصر^{علیه‌السلام} و آشنایی با آن حضرت و راز و نیاز با آن بزرگوار و سلام به آن حضرت و توّجه به آن حضرت را بایستی یک وظیفه و یک فریضه‌ی خودشان بدانند و دعا کنند برای آن حضرت.^۱

ما همیشه - مخصوصاً در روزهای جمعه - توّسل و توّجه‌مان را به ولی‌عصر صلوات الله علیه فراموش نکنیم. امام زمان^{علیه‌السلام} امانت و گوهر درخشنده‌ی عظیم آفرینش در میان ما، امروز بی‌گمان بیش از هر زمان، متوجّه و مراقب این ملّت است.^۲

رابطه‌ی بین شیعیانی که این اعتقاد را دارند، با مقام ولایت و مهدی موعود^{علیه‌السلام} یک رابطه‌ی دائمی است و چقدر خوب و بلکه لازم است که یکایک ما، قلباً هم این رابطه را با توّجه و توّسل و حرف زدن با آن حضرت حفظ کنیم. طبق همین زیاراتی که وارد شده و بعضاً مأثور است و به احتمال زیاد به خود معصوم^{علیه‌السلام} مستند می‌باشد، این رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان^{علیه‌السلام} یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دائم در دل انسان زنده نگه می‌دارد.^۳

عقیده به امام زمان^{علیه‌السلام} هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست. من توصیه می‌کنم که این توّسلات را- که مردم ما بحمدالله داشته‌اند و دارند و در سالهای بعد از انقلاب، به فضل پروردگار چندین برابر شده است- هرچه باکیفیت‌تر ادامه دهند و توّجهات و الطاف آن بزرگوار را به سمت خود جلب کنند. آن بزرگوار، حاضر است و از ملّت و شیعه‌ی خود، جدا و غافل نیست. او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توّجه و توّسل به او، ان‌شاءالله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد.^۴

۱. ولایت و حکومت ص ۳۱۰.

۲. در مکتب جمعه، ج ۴، ص ۵۵.

۳. بیانات در دیدار با مسؤولان خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، سالروز ولادت امام زمان^{علیه‌السلام} ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

۴. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان^{علیه‌السلام}، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

خدای متعال توفیق دهد که ما سربازان آن بزرگوار، متوسل و متذکر آن بزرگوار باشیم و انس و رابطه‌ی قلبی و روحی با آن بزرگوار برقرار کنیم. اگر شما از این طرف انس داشتید، از آن طرف هم جلب توجه، جلب تذکر و جلب لطف و محبت خواهد شد.^۱

این توسل‌اتی که در زیارات مختلف وجود دارد که بعضی از اینها اسانید خوبی هم دارد، اینها بسیار باارزش است. و توسل، توجه، انس با آن بزرگوار از دور... آن توسل، توسل از دور است؛ توسلی است که امام آن را از ما می‌شنود، ان‌شاءالله میپذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف می‌زنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلام سلام‌دهندگان و پیام‌دهندگان را به آن بزرگوار می‌رساند. این توسلات و این انس معنوی بسیار خوب و لازم است.^۲

دشمن می‌خواست مردم را از این طریق هم مأیوس کند و اضطراب بیافریند. هوشیار باید بود. ملت ایران باید هوشیار باشد. شما به برکت هوشیاری‌تان، بحمدالله توانستید این راه دشوار را تا اینجا طی کنید. هوشیاری همراه با اتکای به خدا و توجه و توسل به ولی‌عصر ارواحنا فداه.^۳

مهدی موعود^{علیه‌السلام} مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون شعاع رحمت و تفضلات الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرب به خداوند، توفیق بیشتری میابند؛ زیرا نفس توسل و توجه و ارتباط قلبی با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان میشود.^۴

ان‌شاءالله مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه هم باشید و روزبه‌روز رابطه‌ی قلبی شما با آن بزرگوار تقویت شود و از آن حضرت فیض بگیرید.^۵

بعضی حالا ممکن است بگویند شما میخواهید نهضت امام حسین^{علیه‌السلام} را بیان بکنید، خیلی خوب، بروید بیان کنید، دیگر روضه‌خوانی و گریه و زاری و اینها چیست؟ بروید بنشینید بیان کنید که حضرت این کار را کردند، این کار را کردند، هدفشان هم این بود. این، خیلی فکر خطایی است، نگاه غلطی است. این عاطفه‌ی نسبت به اولیاء خدا، اولیاء دین، این پیوند عاطفی، پشتوانه‌ی بسیار

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی^{علیه‌السلام}، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. سخنان رهبری در دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{علیه‌السلام} و مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۳. بیانات در دیدار عمومی به مناسبت روز میلاد حضرت علی^{علیه‌السلام}، ۱۳۷۲/۱۰/۶.

۴. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی‌عصر^{علیه‌السلام}، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۵. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵.

ارزشمند پیوند فکری و پیوند عملی است. بدون این پشتوانه، خیلی سخت میشود در این راه حرکت کرد. این پیوند عاطفی، خیلی مهم است.^۱

دعا برای فرج امام زمان علیه السلام

با دعا... برای تعجیل در ظهور مهدی موعود سلام الله علیه و عجل الله فرجه، از هر کرانه خود را در این اقیانوس عظیم شستشو دهید.^۲

درک و حس حضور امام زمان علیه السلام

امام بزرگوار، عزیز، معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه‌ی خلائق، اگرچه غایب است و ظهور نکرده؛ اما حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش، حس میکند. آن مردمی که می‌نشینند، راز و نیاز میکنند، دعای ندبه را با توجه میخوانند، زیارت آل یاسین را زمزمه میکنند و مینالند؛ میفهمند چه میگویند. آنها حضور این بزرگوار را حس میکنند ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمیزند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دلها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر میشود حضور نداشته باشد؟ شیعه‌ی خوب، کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط میبخشد.^۳

آمادگی برای انجام وظیفه

تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیاء و اولیاء به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود.^۴

امیدوارم که خداوند متعال توفیق دهد، و عنایات و توجهات حضرت بقية الله الاعظم ارواحنا فداه، کمک کند تا همه‌ی ما بتوانیم آماده‌ی حرکت در این میدان باشیم.^۵

۱. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۲. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت کنگره‌ی عظیم حج، ۱۳۸۵/۱۰/۸.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر علیه السلام، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

۴. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۶۸/۴/۸.

۵. بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵.

امام زمان علیه السلام می‌آید انجام میدهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه‌ی آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمیشود شروع کرد! جامعه‌ای میتواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیاء و اولیاء طول تاریخ میشود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌الصلاة والسلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌ی او نتوانست ریشه‌ی بدی را بخشکاند؟ آن وقت اگر امام زمان علیه‌الصلاة والسلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه‌ی خودتان مشاهده میکنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی‌های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آنجایی که ما خبر و گزارش و اطلاع داریم؛ از قضایای دنیا بیخبر هم نیستیم.^۱

اگر بخواهیم به وظایف درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا به بعد، یقیناً آسان‌تر از راه گذشته‌ی ما نیست؛ راه دشواری است. از حالا به بعد، مسئله، مسئله، مسئله حفظ ارزشهاست؛ جا انداختن اینها در ذهنیت ملل دنیاست؛ حراست از آنها در داخل جامعه‌ی اسلامی است. این، با زبان ممکن نیست؛ با عمل، تلاش، فداکاری، امید، آمادگی، علم و تقوا ممکن است.^۲

همه متوجّه شما هستند؛ هم قدرتهای چپاولگر عالم و جهان‌خواران، هم مظلومان عالم، هم آن کسانی که در صحنه منتظرند تا ببینند کفّه به سود کدام طرف سنگین‌تر خواهد شد. امروز ملت فلسطین چشمشان به شماست. ملت‌های مظلوم و روشنفکران مسلمان، نگاهشان به سوی شماست. حتی کسانی هم که مسلمانی را نشناخته‌اند، در دلشان فروغ امیدی از سوی شما هست. این همان سگویی است که باید ملت مسلمان ایران و به دنبال آن دیگر ملت‌ها، به سوی «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» پرش و حرکت کنند. این، کار بزرگی است. این کار، قدرت ایمان، قوّت اراده، توکل به خدا،

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. سخنرانی در دیدار با روحانیون و طلاب آزاد، ۱۳۶۹/۸/۵.

آمادگی معنوی و مادی می‌خواهد.^۱

با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. همه‌ی راهها به روی آنها بسته است. اگر سختگیری کنند، آنها ضرر میکنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضرر میکنند. اگر حمله کنند، آنها ضرر میکنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گرانقدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله‌العظم (ارواحنا فداه) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماس است. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.^۲

همه باید آماده باشید. در هرجایی که هستید، باید آماده‌ی خدمتگزاری باشید؛ «و مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ». «بمنتظر» یعنی چه؟ یعنی منتظر مردند؟ نه، یعنی منتظر انجام وظیفه‌اند؛ کجا وظیفه آنها را صدا خواهد زد، تا آنجا حاضر باشند. ما باید منتظر انجام وظیفه باشیم. هرچه که تکلیف الهی ما ایجاب کرد، بخواهیم آن را انجام بدهیم. این، ما را پیروز خواهد کرد و به موفقیت بزرگ خواهد رساند.^۳

خودسازی

شیعیان و پیروان آن حضرت، باید کسب آمادگی معنوی، روحی و ایمانی را جزو وظایف خود بدانند و سرمایه‌ی عظیم امید، ایمان و نورانیت را در خود ایجاد کنند تا در حرکت جهانی امام زمان (عج) در ردیف نزدیکان (خواص)، یاران و همکاران آن حضرت قرار گیرند.^۴

انتظار عالمانه

از کار عالمانه و همراه با دقت در مسئله‌ی انتظار و مسئله‌ی دوران ظهور نباید غفلت کرد. و از کار عامیانه و جاهلانه به شدت باید پرهیز کرد.^۵

۱. سخنرانی پس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۷/۲۴.

۲. بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۵/۲۹.

۳. سخنرانی در پایان چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۶/۲۷.

۴. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۱/۹.

۵. بیانات در جمع اساتید و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

تطبیق اعمال با رفتار امام زمان

امام زمان عجل الله تعالی فرجه از هر آنچه که نشانه‌ی مسلمانی و نشانه‌ی عزم راسخ ایمانی در آن هست و از ما سر میزند، خرسند میشود. اگر خدای نکرده عکس این عمل بکنیم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه را ناخرسند می‌کنیم.^۱

در هیچ دوره‌ی در ایران، جوانان، پسرها، دخترها، جمعیت‌های انبوه و عظیم، این‌طور شیفته، دلباخته، منتظر، مشتاق، شیدای آن بزرگوار نبوده‌اند که بحمدالله در این زمان هستند... ما نباید به همین شوق و عشق و علاقه‌اکتفا کنیم؛ باید اولاً معرفتمان را زیاد کنیم، ثانیاً از لحاظ عمل و رفتار هم سعی کنیم خودمان را منطبق کنیم با آن چیزی که به‌حسب تفکر شیعی و اسلامی ما، امام نماد آن است؛ چون امام، اسلام مجسم است؛ همچنان که خود پیغمبر، قرآن و اسلام مجسم بود. اخلاق و رفتار و عمل پیغمبر صلی الله علیه و آله تجسم قرآن بود؛ ائمه هم همین‌طورند. امام، مظهر اسلام، مظهر علو الهی در میان بشر، مظهر عزت الهی و نمونه‌ی کاملی است که خدای متعال انسانها را به سمت تعالی، تکامل و در حقیقت به‌سوی این نمونه دعوت میکند و او را نشان میدهد و انسانها را به این سمت فرامیخواند. اگر ما عقیده داریم که حضرت بقیةالله ارواحنا فداه امروز آن فرد زنده‌ی مورد توجه پروردگار و مَهَبَط ملائکه‌ی الهی در زمان ماست، پس باید خود را از لحاظ عمل، اخلاق و رفتار نزدیک کنیم به آن چیزی که این بزرگوار میخواهد؛ یعنی معرفت عمیق‌تر و رفتار منطبق‌تر و صحیح‌تر.^۲

درک عمیق مهدویت

عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه نمیگذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتیکه این عقیده به‌طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس میشود.^۳

دشمن شناسی و بصیرت

همه‌ی عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. برادران و خواهران عزیز! این نکته‌ی بسیار مهمی است. توجه بفرمایید که ما امروز چقدر باید هوشیار باشیم! دشمنان سراغ مجموعه‌ی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۱/۲۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳/۷/۹.

۳. بیانات در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷.

احکام و مقررات اسلام رفتند؛ هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدّس که در زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبتِ بارزی داشته است و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند!... در مورد ماجرای اعتقاد به مهدی موعود^{علیه السلام} یعنی اینکه در آخرالزمان از خاندان پیامبر، شخصی ظهور میکند که دنیا را از عدل، از دادگستری و از نیکی پُر میسازد و تبعیضها، ظلمها، سوءاستفاده‌ها و فاصله‌های طبقاتی را از بین میبرد؛ نیز خیلی کار کرده‌اند.^۱

آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

در این حرکت سی و سه ساله، آرمان‌ها و آرزوهای عظیمی که اسلام آنها را به ما القاء میکند و تعلیم میدهد، از نظر دور نماند؛ در عین حال واقعیت‌های موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت؛ این کمک کرد به اینکه این حرکت بتواند ادامه پیدا کند؛ یعنی ترکیب آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی با واقع‌بینی. یک حرفی را سر زبانها انداختند، درباره‌اش نوشتند و گفتند؛ الآن هم انسان در گوشه و کنار میشوند که ملاحظه‌ی واقعیت‌های جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی نمی‌سازد. آرمان‌گرایی را اشتباه کردند با رؤیاگرایی. آنچه که ما می‌خواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینی، مشاهده‌ی واقعیات جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی و تعقیب آرمان‌ها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچ‌گونه تنافی و تعارضی ندارد. ذکر آرمان‌ها بدون توجه به واقعیت‌ها و بدون ملاحظه‌ی ساز و کارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمان‌ها، خیال‌پردازی است.^۲

گفتار دوم. وظایف جامعه‌ی منتظر

زنده کردن روح انتظار و آمادگی برای ظهور

ما امروز برای انتظار، باید باب به‌خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند.^۳

در سطح دنیا انسانیت فرج می‌طلبد؛ اما راه فرج را نمیداند. شما ملت انقلابی مسلمان، باید با

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی^{علیه السلام}، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.

۳. دیدار با اقشار مختلف مردم و میهمانان داخلی و خارجی در سالروز میلاد امام عصر^{علیه السلام}، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.

حرکت منظم خود در تداوم انقلاب اسلامی، به فرج جهانی انسانیت نزدیک بشوید و شما باید به سوی ظهور مهدی موعود^ع و انقلاب نهایی اسلامی بشریت - که سطح عالم را خواهد گرفت و همه‌ی این گره‌ها را باز خواهد کرد - قدم به قدم، خودتان نزدیک بشوید و بشریت را نزدیک کنید. انتظار فرج این است.^۱

شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه‌ی آماده اقدام بکند. از صفر که همیشه شروع کرد! جامعه‌ای میتواند پذیرای مهدی موعود - ارواحنا فداه - باشد که در او آمادگی و قابلیت باشد؛ و الا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ میشود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم، آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها، پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب^ع در زمان خودش - با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت، با آن توصیه‌های پیامبر اکرم^ص درباره‌ی او - در همین مدت کوتاه، نتوانست ریشه‌ی بدی را بخشکند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند: «قُتِلَ فِي مُحَرَّابِ عِبَادَتِهِ لِشِدَّةِ عَدْلِهِ». تاوان عدالت امیرالمؤمنین^ع جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه‌ی نا مساعد بود. زمینه را نا مساعد کرده بودند. زمینه را زمینه‌ی دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در مقابل امیرالمؤمنین^ع صف‌آرایی کرده بودند - در اواخر حکومت این بزرگوار، یا در اواسط - کسانی بودند که زمینه‌های دینی آنها، زمینه‌های مستحکم و ماده‌ی غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می‌آورد! آن وقت اگر امام زمان^ع در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.^۲

برادری و همدلی و وحدت

امروز دنیای اسلام بیش از همیشه، به اتحاد یکدلی و تمسک به قرآن نیازمند است. از سویی، ظرفیتهای جهان اسلام برای توسعه و عزت و اقتدار، امروز بیش از گذشته آشکار شده و بازیابی مجد و عظمت امت اسلامی، امروز در سراسر جهان اسلام، انگیزه و خواست جوانان و فرزندان شده است. شعارهای منافقانه‌ی مستکبران، رنگ باخته و نیت پلید آنان برای امت اسلامی، به تدریج

۱. در مکتب جمعه، ج ۳، ص ۲۵۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی^ع، ۱۳۷۶/۹/۲۵.

آشکار شده است و از سوی دیگر، جهان‌خواران که سودای حاکمیت بر سراسر جهان را در سر می‌پروراندند، از بیداری و وحدت امت اسلامی بیمناکند و آن را سدی در برابر سیل ویرانگر نقشه‌های خود می‌شمردند و در تلاش برای پیشدستی و پیشگیری از آنند. امروز، روز اخوت عملی در همه‌ی عرصه‌ها و در برابر همه‌ی فتنه‌ها است. روز فراهم ساختن زمینه برای حکومت حضرت مهدی، عجل‌الله فرجه‌الشریف است. روز اجابت دعوت الهی در همه‌ی زمینه‌ها است. روزی است که باید آیه‌ی «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و آیه‌ی «لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» و آیه‌ی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را بار دیگر بر دل‌های خود تلاوت کنیم.^۱

تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیا و اولیا به دست شما قابل عمل است.^۲

ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً یک واحد باشند؛ نه اینکه دولتها و کشورها وجود نداشته باشند. چنین چیزی، علی‌الظاهر، تا قبل از ظهور ولی‌عصر ارواحنا فدا، نخواهد شد. اما می‌گوییم در یک جهت حرکت کنند. با یک روحیه حرکت کنند. ملتها و دولتهای مسلمان، با یک دل حرکت کنند. و این، عزت و قدرت آنهاست. عزت و قدرت، در سایه‌ی اسلام است. عزت و قدرت، در سایه‌ی همبستگی و همدلی اسلامی شما ملت ایران است. عزت و قدرت در سایه‌ی تقوا و تمسک به قرآن است. عزت و قدرت، در سایه‌ی نترسیدن از غیر خداست. اینها را اگر ما رعایت کردیم، دیگران باشند یا نباشند؛ همراه ما باشند یا مقابل ما باشند، خدای متعال پشتیبان ما خواهد بود. و ما این راه را به فضل الهی ادامه خواهیم داد و میدانیم که خدای متعال با ماست و توجّهات ولی‌عصر ارواحنا فدا، این شاء الله شامل حال شما ملت است.^۳

خدا را شکر که به الطاف پروردگار و به توجّهات حضرت ولی‌الله الاعظم، ارواحنا فدا، شما ملت رشید، هشیار و آگاه، وحدت و یکپارچگی‌تان را حفظ کردید و بعد از این هم باید با همه‌ی دقت و توان و ظرفیت بالای خودتان، بر توطئه‌ها فایق آید و این یکپارچگی را حفظ کنید.^۴

۱. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹.

۲. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۶۷/۴/۸.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم ﷺ و امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۷۱/۶/۲۴.

۴. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان عجله فرجه این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی، عملی، پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.^۱

استقلال خواهی و عزت طلبی

اینکه مردم در کشور اسلامی - حالا در کشور مسلمانان - تلاششان این است که بر اداره‌ی کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمیکنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمیدهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان عجله فرجه را خوشحال میکنند.^۲

هیئات که امت محمد سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان، به مرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق، تن در دهند.^۳

دفاع از مهدویت و امام زمان عجله فرجه

من این قضیه‌ای را که اخیراً در کشور پیش آمد و قضیه‌ی دلخراشی بود؛ یعنی اهانت به ولی عصر ارواحنا فداه جلو می‌اندازم و درباره‌ی آن چند نکته‌ی لازم و مهم را عرض میکنم. بعد اگر وقتی ماند، برای بقیه‌ی مطالب باشد.

یک مطلب این است که اصل این قضیه، حقیقتاً قضیه‌ی تلخی بود. من باید عرض کنم این مطلب که در نشریه‌ای به امام عصر ارواحنا فداه اهانت شود، بنده را در مقابل ولی عصر عجله فرجه خجالت‌زده کرد؛ بنده شرم‌زده شدم. من به خدای متعال عرض کردم: پروردگارا! اگر به خاطر این قضیه، قلب مقدس ولی عصر عجله فرجه از ما آزرده و رنجیده است، متضرعانه از تو میخواهم که دل مبارک آن بزرگوار را از ما دوباره شاد کنی. در کشور امام زمان و در میان مردمی که عشاق ولی عصر ارواحنا فداه هستند، چنین پدیده‌ای بسیار زشت و سنگین است. البته مردم، علمای اعلام و مسئولان کشور، هر کدام به فراخور مسئولیت و موقعیتی که داشتند، با این قضیه برخورد شایسته‌ای کردند؛ اعلام بی‌زاری و برائت نمودند. خیلی اوقات اتفاق می‌افتد آن کسانی که میخواهند مقدسات را در چشم

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۳. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴.

مردم بشکنند و از ذهن مردم بیرون کنند، از کارهای علی‌الظاهر کوچک این‌طوری شروع میکنند؛ برای اینکه عکس‌العمل مردم را بسنجند. اگر علما و مسئولان کشور، موضع‌گیری نمی‌کردند و اگر مردم ابراز نفرت و انزجار نمی‌کردند، احتمال داشت این قدم اول به قدم بعدی برسد و آن قدم بعدی از این فاحش‌تر باشد و به همین ترتیب پیش برود. اینجا غیرت دینی مردم حقیقتاً بجا و به‌موقع عکس‌العمل نشان داد. خیلی‌ها در این قضایا بی‌طاقت میشوند و احساسات دینی آنها خود را به شکل بارزی نشان میدهد؛ همچنان که در سرتاسر کشور آن را ملاحظه کردید. بنده به نوبه‌ی خودم از همه‌ی کسانی که در این مورد موضع‌گیری کردند، آحاد مردم، علمای اعلام، بزرگان، مسئولان کشور، رئیس‌جمهور محترم، رئیس محترم مجلس و رئیس محترم قوه‌ی قضائیه متشکرم؛ این کار لازم و خوب بود. آن کسانی که میخواهند این کشور را از عقاید و عواطف پاک و منطقی و نشان‌دهنده‌ی عمق اعتقاد آنها دور کنند، باید بدانند که کاری از پیش نخواهند برد. این مردم بیدارند. این مردم به اسلام پایبندند. این مردم به عشق اهل بیت پایبندند. این مردم با این همه فداکاری‌ای که در راه اسلام کردند، اجازه نخواهند داد در این کشور کسانی بخواهند با ابزارهای فرهنگی و در میدان فرهنگی، این‌طور به صراحت با اسلام مبارزه کنند.^۱

فراهم نمودن فضای سالم فرهنگی و مهدوی

از مدیران فرهنگی کشور توقعم بیش از این است. من انتظار دارم فضای کشور از لحاظ فرهنگی طوری نباشد که کسی این گستاخی و یا این غفلت را نسبت به امام زمان عجل‌الله فرجه مرتکب شود.^۲

خدمت و سربازی برای امام زمان عجل‌الله فرجه

هرجا هستی‌د- چه در دانشگاه و حوزه‌ی علمیه و مدارس گوناگون و چه در بازار، کارخانه‌ها، پادگانها، روستاها و شهرها احساس کنید که سرباز وجود مقدس ولی‌عصر ارواحنا فداه هستی‌د. برای آن بزرگوار کار کنید و از خدای متعال هم توفیق و کمک بخواهید.^۳

حفظ خود از تجملات دنیا

جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی ع‌ی‌س و عیسی ع‌ی‌س و آرزوی

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۷/۹.

۲. همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان نواحی، پایگاهها و گردانهای بسیج سراسر کشور به مناسبت هفته بسیج، ۱۳۷۴/۹/۸.

همه‌ی اولیاء و ائمه‌ی بزرگوار ماست که امروز تحقّق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، إن شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیة الله فی الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد. این، بارِ خیلی سنگین و محموله‌ی پرارزشی است. این را شما باید حفظ کنید و این میسر نیست مگر با حفظ نفس. متاع دنیا، لذّت خیر، پول، ثروت و تجمل دنیا- آن هم در حدودی که امثال من و شما ممکن است در زندگی خود داشته باشیم.^۱

عدم دنباله‌روی از فرهنگ غربی

ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر می‌کنیم، این است که «مِلاًّ الله به الارض قسطاً و عدلاً»؛ می‌گوییم: «مِلاًّ الله دیناً و صلاةً و صوماً». باینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقّق را پیدا میکند، لیکن معلوم میشود که این عدل، یک مصرع بلند درخواستهای انسان است و اگر این روشی که الآن بعضیها غافلانه دنبال میکنند و آن، الگو گرفتن از زندگی غربی است، رواج پیدا کند، روزبه‌روز این حالت بدتر خواهد شد. علاج این است که ما خودمان را از دنباله‌روی فرهنگ غربی در زمینه‌ی مسایل اقتصاد کاملاً خلاص کنیم و نجات ببخشیم. این‌طور نیست که اگر کشوری درآمد سرانه‌اش رقم بالایی است، معنایش این است که این درآمد سرانه به همه میرسد. شما الآن ببینید در آمارهایی که داده میشود، فرضاً می‌گویند در فلان کشور پیشرفته‌ی دنیا مثلاً امریکا یا کانادا درجه‌ی حرارت به چهل و دو درجه رسید و فلان قدر آدم کشته شدند. آیا در تهران اتفاق می‌افتد که در چهل و دو درجه حرارت کسی کشته شود؟ یا مثلاً گفته میشود در فلان کشور سرما به پنج درجه، ده درجه زیر صفر رسید و فلان تعداد انسان یخ زدند. اینها چه کسانی هستند که از حرارت زیاد کشته میشوند و یا در زمستان یخ می‌زنند؟ آنهایی که در ساختمانهایی نشسته‌اند که با سرما و گرمای آن‌چنانی اداره میشود، یخ نمی‌زنند؛ آنها که سرپناه دارند که یخ نمی‌زنند و یا از گرما نمی‌میرند. این معنایش آن است که طبقاتی در آنجا وجود دارند که زندگی بر آنها سخت است.^۲

اینکه تصوّر شود چون دنیای سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دمکراسی برایش مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی فرعی و درجه‌ی دو و ابزاری است و برای آنها مسئله‌ی نفع و سود و پول مسئله‌ی اصلی است،

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵.

۲. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴.

موجب نمیشود که ما از عدالت به معنای یک مسئله‌ی محوری و اصلی صرف‌نظر کنیم. ما در قالب‌های اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی‌مان، مسئله‌ی عدالت‌محور است. اسلام ما این است: اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزش‌های غربی و ارزش‌های امریکایی را ترویج کند و از روش‌های آنها استفاده کند و با آنها در بخش‌های مختلف هم‌رنگ و هم‌صدا شود و احیاناً دعای ندبه‌ی هم بخواند. ما اسلام متحجّر طالبانی را هم قبول نداریم.^۱

ایستادگی در مقابل غرب‌زده‌ها

این ملت، ملت انقلابی است. این کشور، کشور اسلام، کشور امام‌زمان علیه‌السلام و کشور اهل بیت علیهم‌السلام است. این کشور، کشور قرآن است. ریشه‌های ایمان در این کشور، خیلی عمیق است. سال‌ها حرکت استکباری و استعماری، با همه‌ی مظاهر بی‌ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد، نتوانست این ملت را از دین و ایمانش جدا کند. کسانی که نگاهشان به دروازه‌های غرب و به‌خصوص آمریکاست، چه فکر میکنند؟! ببینند آنها چه اشاره میکنند؛ اینها همان را بگویند! اجازه بدهند کسانی که تقریباً همه‌ی این بیست سال را در مقابل انقلاب، در مقابل امام و در مقابل مردم ایستادند، حالا بیایند، میدان‌دار صحنه شوند.^۲

حفظ انقلاب اسلامی و خدمت به آن

من می‌خواهم به شما جوانان عزیز، به شما پاسداران عزیز، به شما سازمان باعظمت و پرشکوه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به شما بسیجیها، به شما ارتش‌های مؤمن، دلسوز، ساخته و پرداخته انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به شما جوانان قشرهای مختلف این کشور و به خانواده‌های گوناگون، از متوسط‌ها، پایین‌تر از متوسط‌ها و بالاتر از متوسط‌ها، عرض کنم که عزیزان من! بار سنگین حفظ این امانت الهی که امانت پیغمبران است، بر دوش شماست. جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیا عظام الهی است. آرزوی موسی علیه‌السلام و عیسی علیه‌السلام و آرزوی همه‌ی اولیاء و ائمه‌ی بزرگوار ماست که امروز تحقق پیدا کرده است؛ و لو ناقص. کاملش هم، إن شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیة الله فی الارضین، ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، ظاهر و آشکار خواهد شد.^۳

۱. بیانات در دیدار مسوولان وزارت امور خارجه و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۴/۵/۲۵.

۲. بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا علیها‌السلام، ۱۳۸۰/۶/۱۸.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت «روز پاسدار»، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵.

برای ظهور مهدی موعود ارواحنفاذاه زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان‌طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «والله لتمعصن» و «والله لتغربلن»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی‌عصر ارواحنفاذاه با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید.^۱

شرکت در انتخابات مورد رضایت حضرت

من قبل از انتخابات گفتم، الآن هم می‌گویم: هرکس که به‌خاطر تثبیت نظام و به‌خاطر انجام وظیفه، رأی در صندوق انداخته است و نام هرکسی را که طبق تشخیص او درست بوده، روی آن ورقه نوشته است، پیش خدا مأجور است و امام زمان ارواحنفاذاه که این کشور و این ملت در ید قدرت و قبضه‌ی اوست، مراقب این کشور و این ملت است و به یکایک آحادی که در این کار بزرگ سهیم شدند؛ پای صندوق رأی رفتند، یا مردم را به پای صندوق رفتن تشویق کردند، یا کاری برای این مسئله انجام دادند، اجر خواهد داد و پیش خدای متعال از آنها تشکر خواهد شد.^۲

اینکه مردم در کشور اسلامی- حالا در کشور مسلمان‌ما- تلاششان این است که بر اداری کشور، بر پیشرفت امور کشور نظارت داشته باشند، تصمیم بگیرند، اقدام کنند، وارد میدان بشوند؛ و میدان را رها نمیکنند که دیگران بیایند و برای آنها تصمیم بگیرند؛ اجازه نمیدهند که امتداد خواست‌های استکباری و استعماری در داخل کشور سرنوشت آنها را معین بکند، امام زمان علیه السلام را خوشحال میکنند؛ امام زمان علیه السلام ناظر است و میبیند. انتخابات شما را امام زمان علیه السلام دید.^۳

مبارزه با خرافات و بدعتها در عرصه‌ی مهدویت

در همین قضیه‌ی مهدویت،...حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه‌ها، خرافه‌ها، ادعاهای دروغین، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌ها دخالت نکند.^۴

مسئله‌ی دیگر، مبارزه‌ی با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روزه‌روز خرافات جدیدی را وارد جامعه‌ی ما میکنند.

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۸/۱۲/۱۱.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به‌مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۴. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

مبارزه‌ی با خرافات را باید جدّی بگیرید... امروز شما ببینید مدّعیان ارتباط با امام زمان عجل الله فرجه و ارتباط با غیب، با شکل‌های مختلف در جامعه دارند کار میکنند... این خطرناک است. در مقابله‌ی با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید. ملاحظه‌ی اینکه حالا ممکن است کسی بدش بیاید یا ممکن است چه بکند، نکنید.^۱

دشمن‌شناسی

یک ملّت زنده و ملّتی که اهل پیشرفت است، از جمله کارهایی که در کنار سازندگی، در کنار پیشرفت علمی و در کنار کارهای بزرگ، حتماً باید از آن غفلت نکند، شناخت هدفهای دشمن در هر مرحله است. این خاصیت زنده بودن است. نمی‌شود ملّتی را فرض کرد که آرمانهای بزرگی داشته باشد و بخواهد کارهای بزرگی بکند؛ امّا دشمن نداشته باشد.^۲

زمان‌شناسی

در همان زمان حرکت اباعبدالله علیه‌السلام، کسانی بودند که اگر با آنها در باب این قضیه صحبت میشد که «اکنون وقت قیام است» و می‌فهمیدند که این کار، به دنبال خود مشکلات و دردسرهایی دارد، به تکالیف درجه‌ی دو می‌چسبیدند؛ کما اینکه دیدیم، عده‌ای همین کار را کردند. در میان آنهایی که با امام حسین علیه‌السلام، حرکت نکردند و نرفتند، آدمهای مؤمن و متعهد وجود داشت. این‌طور نبود که همه، اهل دنیا باشند. آن روز در بین سران و برگزیدگان دنیای اسلام، آدمهای مؤمن و کسانی که می‌خواستند طبق وظیفه عمل کنند، بودند؛ امّا تکلیف را نمی‌فهمیدند؛ وضعیت زمان را تشخیص نمیدادند.^۳

گفتار سوم. وظایف دولت منتظر

توجّه دائمی به آرمانهای انقلاب اسلامی (آرمان مهدویت)

آنچه ما تصوّر میکنیم که وظیفه‌ی ماست، وظیفه‌ی مجموعه‌ی مسئولان کشور است، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلّفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و

۱. دیدار با روحانیون، ۱۳۸۵/۸/۱۷.

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۹/۲۶.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیان، ۱۳۷۱/۵/۷.

همه‌ی اقدامها در نظر داشته باشد: مؤلفه‌ی اوّل عبارت است از: آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی، که این اهداف و آرمانها مطلقاً نایستی از نظر دور بشود.^۱

زمینه‌سازی برای ظهور

با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم‌به‌قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که إن شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود صلوات الله علیه و عجل الله فرجه را فراهم خواهد کرد.^۲

ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود ارواح‌فداه زمینه باید آماده بشود.^۳

حرکت به سوی ساختن دولت کریمه

دولت باید دولت کریمه باشد. معنای «اللهم انّا نرغب الیک فی دولة کریمه» این است که پروردگارا! ما دستهای خود را بلند و دل‌هایمان را به سوی تو عرضه میکنیم و از تو دولت کریمه را میخواهیم. این دولت کریمه شرایطی دارد. البته ما از اوّل انقلاب تا کنون همواره خواسته‌ایم دولتها را دولت کریمه بنامیم. یکی از آرزوهای ما این است و بنده آن را دوست میدارم. شما هم دولت عزیز و دولت انقلابید؛ اما حقیقت قضیه این است که دولت کریمه شرایطی دارد. دولت کریمه، دولتی است که عزیز و سربلند و دارای اعتقاد راسخ به آن راهی است که قانون اساسی و وظایف و سیاستهای نظام در مقابل او گذاشته است. نفوذناپذیر است و متاع خودش را به‌خاطر سبک کردن دیگران سبک نمی‌بیند؛ همان نکته‌ای که امام صادق (علیه السلام) - قریب به این مضمون - به شیعه‌ی خود فرمودند که اگر گوهری در دست تو باشد و همه‌ی دنیا بگویند: این خزف است، آیا عقیده‌ی تو برمی‌گردد و احساس حقارت میکنی؟ گفت: نه؛ گفتند: پس گوهرت را نگاه‌دار. دولت کریمه دارای پیام است و برای دنیا حرف نو دارد. ما این حرف نو را داریم. امروز مردم‌سالاری دینی‌ای که ما در کشور خود مطرح میکنیم، یک حرف نو است؛ نه فقط به خاطر اینکه ما شاخه‌ای از مردم‌سالاری را ارائه

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

۲. بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

۳. سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم، در سالروز میلاد حضرت مهدی (عج)، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

میدهیم؛ نخیر، ما در واقع در مردم‌سالاریهای دنیا شبهه میکنیم.^۱
إن شاء الله این دولت، مصداقی باشد برای همان دولت کریمه‌ای که در دعای «افتتاح» میخوانیم و از
خدای متعال آن را درخواست میکنیم.^۲

ساخت تمدن نوین اسلامی

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و
هدایت‌های معنوی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم
سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماسست. جوانان،
خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.^۳
آرمان نظام جمهوری اسلامی را میشود در جمله‌ی کوتاه‌ی ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد. تمدن
اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی میتواند رشد کند و
به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته
باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای
سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام
جمهوری اسلامی این است.^۴

ایجاد الگوی حیات طیبه‌ی اسلامی

ببینید برادران و خواهران عزیز! شماها مسئولین و کارگزاران این نظامید. نخبگان سیاسی، فرهنگی و
اجتماعی این نظام، یا جمعی از نخبگان، اینجا جمع هستید؛ عمده‌ی مسئولین کشور الان اینجا جمع
هستند. من و شما چرا در این نظام مشغول کار شدیم؟ آیا ما از اول به دنبال این بودیم که
حکومتی تشکیل شود، دولتی به وجود بیاید، ما بشویم رئیس دولت، مسئول دولت، وزیر دولت،
وکیل دولت؟ مگر مقصود این بوده؟ نه. اگر مقصود این باشد، باید عرض کنم زحماتی که هر کدام
از ما میکشیم - اگر با این نیت باشد - هم‌اش «هبائاً منثوراً» است؛ بی‌ارزش است؛ پیش‌خدا

۱. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵.

۲. بیانات در دیدار هیئت دولت در آغاز کار دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۶/۳.

۳. بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۵/۲۹.

۴. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.

متعال اجری ندارد؛ با زوال عمر زائل میشود، بلکه با زوال مدت مسئولیت زائل میشود. ما فرقدمان با بقیه‌ی گروه‌هایی که در کشورهای مختلف می‌آیند یک رژیم را تغییر میدهند، بر سر کار می‌آیند و قدرت را به دست می‌گیرند، این است که ما آمدم برای اینکه یک جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدم تا حیات طیبه‌ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم. و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه‌ی اسلامی در کشور ما میتواند و میتواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره‌ی طیبه بکنیم؛ ما برای این آمدم. هدف، جز این چیز دیگری نبود، الان هم هدف جز این چیز دیگری نیست.^۱

انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن میفرماید: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی، زندگی روزمره، رفاه، امنیت، دانش، سواد، عزت سیاسی، استقلال اقتصادی، رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن، خدانشناس، پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است.^۲

مسئولان باید به وظایف خودشان عمل کنند؛ نیازهای مردم را بفهمند، درک کنند و تأمین کنند. مشکلاتی که امروز در بین مردم وجود دارد - محرومیتها، نابسامانیها، تبعیضها و بیکاریها که تذکر مشفقانه‌ی ما به مسئولان دائماً درباره‌ی این چیزهاست - موانع راهند. برطرف کردن اینها هدف نیست؛ برطرف کردن اینها برای رسیدن به هدف لازم است. هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ». آن چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه‌ی عالم باشید؛ بر همه‌ی روشها، بر همه‌ی تمدن‌ها و مدنیته‌ها.^۳

کارآمد نشان دادن دولت با ایجاد سبک زندگی اسلامی

ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌المللی اسلامی است. ما امروز در

۱. بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۶/۱۹.

۲. بیانات در دیدار مردم ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲.

۳. بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۹/۷/۱۱.

مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما- یعنی مسئولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است- سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز ننگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم ننگ ببندیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی- یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک‌دامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا- را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم‌به‌قدم تحوّل درونی خود را جدّی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد.^۱

تلاش برای اقامه‌ی عدالت مهدوی در همه‌ی سطوح

در جمهوری اسلامی، عدل یک پیام شخصی نیست؛ بلکه یک نظام اجتماعی است. این‌طور نیست که هرکس فقط در محیط خود، عادلانه رفتار کند. این کافی نیست. عدل معنایش این است که باید جامعه، قائم به قسط باشد. «لِيُقَوِّمَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ» قانون، عادلانه؛ اجرا، عادلانه؛ نظارت، عادلانه؛ قضاوت، عادلانه؛ تقسیم، عادلانه. این، خصوصیتی است که برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب میشود. ما اگر از لحاظ مادی و سازندگی به کشورهای پیشرفته‌ی دنیا هم برسیم، کافی نیست. امروز کسانی که سرشان در حسابهای مادی و محاسباتی و از این قبیل است، تا صحبت میشود، میگویند: ما میخواهیم خودمان را مثل فلان کشور بسازیم. البته هرکس هم، سلیقه و نظری برای خودش دارد. اگر ما ایران را مثل کشورهای برخوردار مادی ساختیم، اما از عدالت خبری نبود، این هیچ ارزش ندارد. پیام اسلام، اقامه‌ی عدل است. قیام اسلامی در ایران، برای اقامه‌ی عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه‌ی عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌تعالی فرجه‌الشریف است و میخواهد مهدی موعود^ع بیاید و چشم انتظار آن

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۲/۶.

حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است. اصل قضیه این است که اگر ما کم داشته باشیم؛ اما عادلانه عمل کنیم، به مراتب ترجیح دارد بر اینکه زیاد داشته باشیم و غیر عادلانه عمل کنیم.^۱

مظهر عدل پروردگار، امام زمان علیه السلام است و میدانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان علیه الصلاة والسلام - که در دعاها، زیارات و روایات آمده است - عدالت میباشد: «یَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا». ما باید امروز جامعه را جامعه‌ی عدالت بکنیم. در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهمتر است. عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق، حدود و احکام است. عدالت؛ یعنی کمک به مردم محروم و ضعیف. عدالت، یعنی اینکه برنامه‌ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه‌ی سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت؛ یعنی اینکه عده‌ی خاصی برای خودشان حق ویژه‌ای قایل نباشند. عدالت؛ یعنی اینکه حقوق انسانی، اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان بر مردم اجرا شود. اگر جلوی کسانی که با تکیه بر فریب و زور و یا بر اساس کارهای ناصحیح و مبتنی بر عقلهای مادی و منحرف از معنویت، توانستند به چیزهایی که حق آنها نبوده است، دست پیدا کنند، گرفته شود تا فرصتی برای ادامه‌ی کار خود پیدا نکنند، عدالت تحقق پیدا کرده است. البته، کمک به مظلومان و محرومان، شامل کمکهای فردی هم میشود، اما قضیه بالاتر از اینهاست؛ زیرا تحقق زندگی عادلانه به این است که کمک نظام و تشکیلات و حرکت آن، در جهت کمک به مستضعفان باشد. ما اگر در این جهت، زندگی خود را پیش بردیم و حرکت کردیم، مطمئناً خدای متعال کمک خواهد کرد و قدرتهای مادی نخواهند توانست با این ترفندها و فریبه‌ها، ملت ما را از راه پُرافتخار خود منصرف کنند و مقاومتش را بگیرند. ان شاء الله روزبه‌روز مقاومت مردم بیشتر خواهد شد.^۲

تلاش ما حکومت حق و عدل است؛ تلاش برای ایجاد عدالت است. شاید در اسلام در مورد مسایل اجتماعی، هیچ‌چیز به قدر عدالت، مورد توجه قرار نگرفته است. شما ببینید در مورد ظهور حضرت

۱. بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مسؤولان و خانواده‌های معظم شهدا، در سالروز ولادت امام زمان علیه السلام، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲.

بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه و عجل الله فرجه، در بیشتر روایات و ادعیه و زیاراتی که درباره‌ی آن بزرگوار است و اسمی از آن بزرگوار است، به دنبال مسئله‌ی ظهور و قیام آن حضرت، «یملأ الله الارض قسطاً و عدلاً» هست. خدا به وسیله‌ی او، زمین را پر از قسط و عدل میکند؛ البتّه خدا به وسیله‌ی امام زمان علیه السلام زمین را از دین خودش هم پُر میکند؛ امّا آن چیزی که در دعا و زیارت و روایت گفته میشود، «یملأ الارض به الدّین، دین الحق» نیست- مگر در بعضی از جاها که تعبیراتی هست- متعلّق «یملأ»، قسط و عدل، عدالت، دادگری و انصاف است. چرا؟ چون بشر بیشتر از همه چیز، از ظلم و بیدادگری رنج میبرد. این حکومت در راه عدالت حرکت کرده و در راه عدالت هم حرکت میکند؛ قوامش هم به عدالت است.^۱

حکومت الهی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه حکومتی است که در آن مقرّرات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرت‌های زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مواسات و مساوات، حکومت معنویت و فضیلت است و امروز هر کسی که برای عدالت، در راه دین و خدمت به محرومان حرکت میکند، باید خوشحال و امیدوار باشد؛ زیرا آینده متعلّق به اوست.^۲

نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخر الزّمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملّت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و جعلنا الله فداه است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر میکنید؟ «الذی یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً». نمیگویید که «یملأ الله به الأرض دیناً». این، نکته‌ی خیلی مهمّی است. چرا به این نکته توجّه نمیکنیم؟ اگرچه قسط و عدل متعلّق به دین است، امّا هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا میکند. این نظام اسلامی به وجود آمده است؛ اوّلین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل میخواهیم. کارهای گوناگون مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه را برای قسط و عدل میخواهیم؛ برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها میتوانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند. قسط و عدل، یک مقدّمه‌ی

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۵/۱۱/۱۲.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۱۰/۲۸.

واجب برای کمال نهایی انسان است. چطور میشود به این قضیه بی‌اعتنایی کرد؟ دنیا انصافاً دنیایی است که به قسط و عدل بی‌اعتناست. ما در این زمینه باید بگوییم که به عنوان یک حکومت، در دنیا خیلی تنه‌اییم. به این شعارهایی که در دنیا میدهند، نگاه کنید! اساس حکومت‌های دنیا، اساس عدل و رعایت حقوق انسانها و رعایت ضعفا و محرومان نیست.^۱

هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف تأمین عدالت اجتماعی است. اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد. این مهم باید در تمام برنامه‌ریزیها و عملها و امثال آن، مورد توجه قرار گیرد.^۲

بنای قوام اساسی دعوت، حکومت و نهضت انبیاء، بر عدل است. «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ عدالت، همه چیز است. شما هم که آرزوی قیام حکومت عادل‌هی حجت‌الهی ارواحنا فدا را دارید، تکرارتان در دعا و زیارت این است که: «ی‌ملاء الله به الارض قسطاً و عدلاً». در درجه‌ی بعد می‌گوییم که دین خدا را هم اشاعه دهد... پس، دلیل این است که اساس و محور و نقطه‌ی مرکزی توجه در نظام اسلامی، عدالت است. این برای ما تکلیف درست میکند.^۳

فلسفه‌ی وجود من و امثال من در اینجا - که بنده یک طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لاغیر. دعایی که شما برای آمدن امام زمانتان میکنید - که اعز همه‌ی خلائق عندالله و عند عباده الصالحین است - این است که می‌گوییم: «ی‌ملاء الله به الارض عدلاً و قسطاً» نمی‌گویید دیناً و خلقاً. بشر تشنه‌ی عدالت و دنبال عدالت است.^۴

عدالت خط قرمز همه‌ی سیاستها و فعالیتها

بدیهی است که در یک نظام اسلامی و دینی، همه‌ی مردم بایستی به سمت دینداری، خداپرستی، عبادت خدا و اخلاق حسنه پیش بروند - شکی نیست - لیکن این موضوع در آثار اسلامی، کمتر از موضوع «عدالت» مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن، وقتی که میفرماید ما پیامبران را فرستادیم، متعاقبش می‌گوید: «يُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» هدف، قسط است. قسط یعنی زندگی عادلانه. فرستادن

۱. بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۴/۲۵.

۲. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در آستانه‌ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۸/۱۱/۹.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولین قضایی و قضات کشور، ۱۳۷۳/۴/۶.

۴. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی کشور و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۱۳۷۷/۴/۷.

بیامبر، مبدأ کار است. خدا قضیه را این‌گونه شروع کرده است: «لیقوم الناس بالقسط»؛ ولی منتها هم این‌گونه است که خدا، امام زمان علیه السلام را میفرستد، تا «یملأ الله الارض به قسطاً و عدلاً بعد ما [تبدیل به کما] ملأت ظلماً و جوراً». بنابراین، منتها هم قسط و عدل است. البته رونق و شکوفایی اقتصادی و مسایلی از این قبیل، همه‌اش چیزهای خوبی است و کسی مخالف اینها نیست؛ اما به شرطی که آن هدف اصلی در میان اینها گم نشود.^۱

اساس اداری تشکیلات کشور نیز همین است که بارها تکرار شده: عدالت اجتماعی. در تمام آثار دینی که شما نگاه میکنید، هدف و غایت برای حرکت جامعه‌ی اسلامی، تشکیل جامعه‌ی عادلانه است. راجع به امام زمان این‌همه اثر هست و در اغلب اینها گفته میشود که آن بزرگوار تشریف بیاورند تا اینکه جهان را پر از عدل کنند. بیش از آنچه که گفته شده «پر از دین حق کنند» گفته شده «پر از عدالت کنند»؛ یعنی آنچه که در درجه‌ی اول مطرح است، «عدالت» است که باید انجام گیرد.^۲

ترویج مهدویت در داخل و خارج از کشور

در مجلس ما جمعی از عناصر فرهنگی، رایزنان فرهنگی، جمعی از مدیران آموزش و پرورش، جمعی از جوانان زبده و برجسته‌ی سازمان جوانان، جمعی از مجموعه‌های مرتبط با مهدویت حضور دارند. آنچه را که من به این مناسبت در این جمع فرهنگی آگاه و هوشیار به شما برادران و خواهران می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما عقاید اسلامیمان، به‌خصوص عقاید شیعی، جزو پاکیزه‌ترین، منطقی‌ترین و مستحکم‌ترین عقاید است... این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید، ثانیاً آنها را با تدبّر و تأمل عمق بخشید، ثالثاً آنها را به‌درستی منتقل کرد... مجموعه‌های فرهنگی مرتبط با ملت‌های دیگر و شاغل در خارج کشور یا مرتبط با آنها، مهم‌ترین کارشان این است که این حقایق را بتوانند با شیوه‌های مختلف در مقابل چشم و نظر خوانندگان و جویندگان قرار بدهند؛ همین قدر که آنها مطلع بشوند. در همین قضیه‌ی مهدویت، آن کسانی از اهل سنت یا حتی از علمای غیر مسلمان که به عقاید شیعه در باب مهدویت توجه کردند و از آن اطلاع پیدا کردند، تصدیق کردند که بشارت‌هایی که در تورات و انجیل و ادیان دیگر هست، همه منطبق با همین

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر تعاون، به اتفاق معاونین و مسؤولان بخش‌های تعاون، ۱۳۷۷/۲/۲۱.

۲. بیانات در دیدار هیئت دولت در آغاز کار دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۲/۶/۳.

مهدویتی است که در شیعه وجود دارد. این را اعتراف میکنند. آن کسی که عقیده‌ی شیعه را میداند، یا شکل تحریف‌شده‌ی آن به او رسیده، خوب، بدیهی است که یک چنین قضاوتی نمیتواند بکند. شکل درست عقیده را باید منتقل کرد.^۱

ایجاد فضای فرهنگی مناسب با مهدویت

من از مدیران فرهنگی کشور توقعم بیش از این است. من انتظار دارم فضای کشور از لحاظ فرهنگی طوری نباشد که کسی این گستاخی و یا این غفلت را نسبت به امام زمان علیه السلام مرتکب شود. شما نگاه کنید ببینید، هر جمعه در سرتاسر کشور چند صد هزار نفر و یا چند میلیون نفر از مردم دعای ندبه میخوانند؛ جوانان اشک میریزند. شما ببینید نیمه‌ی شعبان مردم چه میکنند! عیبی در یک جای کار هست که در فضای فرهنگی کشور کسی یا جرأت کند یا غفلت کند که به امام زمان علیه السلام و به این اعتقاد به این اهمیت، این‌گونه اهانت کند. من از کسانی که الآن مسئولان رسمی امور فرهنگی هستند، توقع و خواستم این است که به‌طور جدی تجدید نظر کنند و ببینند عیب کارشان کجاست.^۲

تربیت انسانهای صالح

حقیقتاً این واقعیتی است که برای یک انقلاب، انسان‌سازی از همه چیز مهم‌تر است. اگر انقلاب، انسان‌سازی نکند، هیچ کاری نکرده است. اگر کسی فکر بکند، دلیل این معنا واضح است. یعنی این حرف، واقعاً استدلال نمیخواهد؛ چون دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده‌ی بی‌جان و کور و تاریک است. آن چیزی که به عالم خاکی جان میبخشد، ارزش میدهد، نور میدهد و معنا و مضمون به وجود می‌آورد، انسان است. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ» جانشین، عنوانی است که خدا به انسان داده است. این جانشین را کجا گذاشته‌اند؟ «فی الارض». ارض بدون این جانشین، چیست و چه ارزشی دارد؟

تمام پیامبران و عبادالله الصالحین، هم‌شان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. اینکه شما دیدید، امام در بیانیه‌ی در چند سال قبل فرمودند، فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، ساختن جوانانی از این قبیل است،

۱. دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۷/۹.

یک حرف نبود که همین‌طور بر قلم امام جاری شده باشد. این، یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد. واقعاً فتح‌الفتوح؛ یعنی ساختن انسان صالح.

این بدبختیهایی که شما می‌بینید روی زمین را فرا گرفته است و در زیارتها و آثار مربوط به ولی‌عصر ارواح‌التراب مقدمه‌الفداء آمده است: «کما ملئت ظلما و جورا»؛ زمین در تمام دوره‌های تاریخ، پُر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می‌آید، همه‌ی زمین را از قسط و عدل پُر میکند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسانهای ناصالح... انقلاب ما آمد، تا انسان صالح تربیت کند. نقش انسان صالح، این است. برادران عزیز من! آن چیزی که این انقلاب را تا امروز نگه داشته است، عبارت از صلاح انسانهاست؛ همان مقدار مایه‌ی صلاحی که ما ملّت داریم. در حقّ ملّتمان هم مبالغه نمیکنیم. امروز صلاح غلبه دارد و پرچم را به دست گرفته و حاکم است و حرکت به سمت صلاح، برنامه‌ریزی شده است. البته تا صلاح مطلق هم فاصله‌ی بسی طولانی است.^۱

بالا بردن توان علمی و عملی کشور

اتکا به خدای متعال و اعتقاد به نگاه رئوفانه و پدران‌هی حضرت بقیة‌الله (ارواح‌نفاذ) به ملّت، این تأثیر بزرگ را در زندگی ما و در رفتار ما دارد که ما را با قوّت قلب در مقابل امواج گوناگون وادار به استقامت میکند. نمیتوانند ملّت ایران را شکست بدهند. به توفیق الهی، مسئولان کشور، دولتمردان مؤمن و صبور، با پیگیری و تلاش باید بتوانند یکی پس از دیگری مشکلات این ملّت را حل کنند؛ باید بتوانند سطح علمی و عملی این کشور را آن‌چنان بالا ببرند که به‌کلی طمع دشمنان از این ملّت و از این کشور قطع بشود.^۲

پیروی از خط امام خمینی علیه‌السلام

ملّت عزیز و برادران و خواهران من در سراسر این کشور، از مراسم سالگرد این استفاده را بکنند و این بهره را ببرند و این فرصت را مغتنم بشمارند که تعالیم امام را در ذهن خود مرور کنند و به یاد آورند. هرکس در هر جا که هست - چه مسئولان کشور و متصدّیان و مدیران بخشهای اجرایی و چه نمایندگان مردم و چه مسئولان قضایی و چه آحاد ملّت - اینها را دستورالعمل خود قرار دهد. اگر این

۱. بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۴/۷/۲۹.

کار شد، آن وقت قلب مقدّس ولی‌عصر ارواحنا فداه، إن شاء الله از این ملّت راضی خواهد شد و برکات الهی بر شما نازل خواهد گردید که خدای متعال در قرآن فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاذْقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ». خداوند به برکت این راه، به برکت تقوا و به برکت ادامه‌ی حرکتی که امام بزرگوار در این کشور آغاز کرد، ابواب برکات را بر این مردم خواهد گشود.^۱